رساله دوم به تسالونیکیان

The Second Epistle to the Thessalonians

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org
December 14, 2007
Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیمِ موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوه‌ی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده که از اصولِ صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمنِ وفاداری به اصول تفسیر، همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتابِ حاضر انتخاب شایسته‌ای برای مطالعات انفرادی و گروهیِ کتاب‌مقدس خواهد بود.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.
— All Rights Reserved —

مقدمه

«پولس رسول همچون رساله اول فوراً با مشکل دست به گریبان نمی‌شود بلکه قلبهای مقدسین را به طور تدریجی آماده می‌کند و حقیقت را نفشرده و مشکل را به یکباره مطرح نمی‌سازد. این طریق حکمت و فیض آسمانی است؛ قلب آماده شده و نه نکته‌ای که اشتباه یا بد بوده است.»

– ویلیام کلی (William Kelly)

الف) جایگاه منحصر به فرد در میان کتب مقدس

حقایق مهمی که در این نامه یافت می‌شود هم عملی و هم آموزه‌ای هستند. پولس آمدن ثانوی مسیح و مکاشفه‌اش راجع به مرد شریر را بیشتر برای تسالونیکیان توضیح داده و تصحیح می‌کند. او همچنین کسانی که آمدن ثانوی مسیح را به عنوان بهانه‌ای برای کار نکردن قرار داده‌اند نصیحت می‌کند، وقتی بدیشان اجازهٔ غذا خوردن نمی‌دهد!

ب) نویسنده

شواهد خارجی برای نویسندهٔ دوم تسالونیکیان از رسالهٔ اول نیز قوی‌تر است. نه تنها افرادی چون پولیکارپ و ایگناتیوس به پولسی بودن رسالهٔ شهادت داده‌اند و نیز این رساله به عنوان رسالهٔ پولس در فهرست مارسیون و کانونِ موراتوریان قرار دارد بلکه آیرنائوس نیز با نام از رسالهٔ دوم تسالونیکیان نقل‌قول کرده است.

این رساله بسیار کوتاه است از رسالهٔ اول تسالونیکیان شواهد داخلی کمتری دارد ولی کاملاً واضح است که پولس رسول نگارنده نامه بوده و عدهٔ بسیار کمی از محققین در مورد پولسی بودن این رساله مردد هستند.

ج) تاریخ نگارش

رسالهٔ دوم تسالونیکیان در جواب مشکلات بیشتر و همچنین عدم درک بعضی از قسمتهای اول‌تسالونیکیان نوشته شده است. چند ماه یا شاید هفته‌ها نیاز بود تا رسالهٔ دوم نوشته شود. پولس، سلوانس و تیموتائوس هنوز با هم بودند (۱:۱) و قرنتس تنها شهری بود که ما در مورد آن می‌خوانیم که آنها با هم بوده‌اند (اعمال۱۸:۱،۵). از این رو تاریخ نگارش در حدود ۵۰ میلادی و احتمالاً بین ۵۰ تا ۵۱ میلادی بوده است.

د) پس زمینه و موضوع

سه دلیل اساسی برای نامه‌ای دیگر حتی در فاصله کمی از نامهٔ اول وجود داشت. مقدسین تحت جفا بودند و نیاز به تشویق داشتند (باب‌اول). آنها در مورد روز خداوند گمراه شده و نیاز به روشن شدن داشتند (باب‌دوم).

بعضی در تنبلی بسر برده و این نظریه را به عنوان بهانه مطرح می‌کردند که خداوند دارد باز می‌گردد و نظریه بازگشت خداوند که پولس گفته بود نیاز به تصحیح دارد (باب سوم).

راجع به روز خداوند، ایمانداران می‌ترسیدند که مبادا در آن ایام باشند. ترسهای آنها یوسیلهٔ شایهات بی‌اساس تقویت می‌شد در حالیکه پولس خودش در مورد روز خداوند در حینی که حاضر بود تعلیم می‌داد. پس پولس رسول مستقیماً این تعالیم را نوشت.

آشکار است که روز خداوند مشابه آمدن خداوند نمی‌باشد که این یعنی زمان ربوده شدن ایمانداران. مقدسین از روز آمدن خداوند نمی‌ترسیدند؛ آنها از زمان مصیبت عظیم که اولین مرحلهٔ روز خداوند است ترسان می‌بودند.

پولس هرگز تعلیم نداده بود که همهٔ وقایع قبل از ربوده شدن باید اتفاق بیفتند. ولی حالا او تعلیم می‌دهد که قبل از آنکه روز خداوند شروع گردد، ارتداد عظیمی خواهد بود و تسلی دهنده برداشته خواهد شد و مردِ بی‌دین ظاهر خواهد شد.

برای درک بهتر این نامه هیچ چیز مهمتر از دیدن فاصله‌ای که بین ربوده شدن، روز خداوند و آمدن ثانویه مسیح وجود نمی‌باشد. روز خداوند در اول تسالونیکیان ۲:۵ تعریف می‌شود. فاصله‌ای که بین ربوده شدن و ظهور در دوم تسالونیکیان ۷:۱ شده است.

طرح کلی دوم تسالونیکیان

۱. سلامها (۲،۱:۱)

۲. پولس و تسالونیکیان (۳:۱–۱۲)

الف) دِین پولس برای شکرگزاری (۳:۱–۵)

ب) داوری عادل خدا (۹:۱–۱۰)

پ) دای پولس برای مقدسین (۱۱:۱–۱۲)

۳. راجع به روز خداوند (۱:۲–۱۲)

الف) تقاضای پایداری (۲،۱:۲)

ب) مرد شریر (۳:۲–۱۲)

٤. شکرگزاری و دعا (۱۳:۲–۱۷)

الف) شکرگزاری پولس از اینکه مقدسین از داوری رستگار خواهند شد (۱٤،۱۳:۲)

ب) دعای پولس برای راحتی و پایداری مقدسین (۱۵:۲–۱۷)

۵. نصایح عملی (۱:۳–۱۵)

الف) برای دعای متقابل (۱:۳–۵)

ب) برای طرز رفتار با سرکشان (٦:۳–۱۵)

٦. دعای برکت و سلامها (۱٦:۳–۱۸)

تفسیر

۱. سلامها (۱:۱-۲)

۱:۱ . سلوانس و تیموتائوس در حینی که پولس این نامه را از قرنتس می‌نوشت با او بودند. این نامه خطاب به کلیسای تسالونیکیان است؛ این نشان دهندهٔ ترکیب انسانی و محل جغرافیایی آن است. در خدای پدر نشان می‌دهد که جماعت، جماعتی خداپرست است و نه بی‌دین. و در خداوند عیسی مسیح نشان می‌دهد که این جماعت، یک جماعتی مسیحی هستند.

۲:۱ . پولس رسول برای مقدسین لذت و سعادت و شهرت نمی‌طلبد بلکه فیض و سلامتی. فیض در واقع در اردهٔ خدا همه چیز را ممکن می‌سازد و سلامتی در همهٔ شرایط به انسان آرامش عطا می‌کند. چه چیز بیشتری می‌تواند یک شخص برای خودش یا دیگران آرزو داشته باشد؟

فیض و سلامتی از جانب خدا پدر و خداوند ما عیسی مسیح است. فیض در پی خود سلامتی را به همراه دارد؛ ما باید بدانیم که فیض خدا چیست پیش از آنکه سلامتی را تجربه کنیم. پولس خدای پدر و عیسی مسیح خداوند را به عنوان دو منشأ واحد از این برکات مطرح ساخته و بطور ضمنی عنوان می‌کند که پدر و پسر برابر هستند.

۲. پولس و تسالونیکیان (۳:۱-۱۲)

الف) دِین پولس برای شکرگزاری (۳:۱-۵)

۳:۱ . این نامه با شکرگزاری برای مقدسین شروع می‌شود. برای خواندن این نامه باید به صدای تپش قلب خادم مسیح در حینی که از فرزندان روحانی خود دلشاد است گوش کنیم. برای او شکرگزاری یک وظیفه دائماً در قبال خدا بود و همچنین یک وظیفه در خورد ایمان و محبت. ایمان ایشان شگفت‌آور بود و آنها یکدیگر را بدون استثنا پذیرفته و محبت زیادی نسبت به یکدیگر ابراز می‌کردند. این جواب دعای پولس رسول بود (اول تسالونیکیان ۳:۱۰،۱۲).

به این ترتیب توجه کنید: اول ایمان، دوم محبت. «ایمان ما را در ارتباط با سرچشمهٔ ابدی محبت در خودِ خدا قرار می‌دهد و پیامد الزامی آن این است که قلبهای ما در محبت او که متعلق به وی می‌باشیم ریشه بدواند» (C. H. Mackintosh).

٤:۱ . روند پیشرفت روحانی ایشان باعث شده بود که پولس و دیگر همکارانش به آنها در دیگر کلیساهای خدا فخر کنند. آنها ثابت مانده و پر از ایمان بودند در حالیکه داشتند متحمل جفاها می‌شدند. صبر در اینجا یعنی پایداری یا اسقامت.

۵:۱ . این حقیقت که آنها شجاعانه تحت جفاها و سختیها ایستاده بودند نشان دهنده رفتار عادلانـه خـدابود. او آنها را تجهیز می‌کرد، تغذیه و تشویق می‌نمود. اگر آنها قدرت آسمانی او را دریافت نکرده بودند هرگز قادر نبودند چنین صبر و ایمانی را در رنج بردن برای مسیح از خود نشان دهند.

تحمل قهرمانانه آنها ثابت کرد که آنها مستحق مالکوت خدا هستند. این امر بیان نمی‌کنـد کـه هـر شـخص بـه خودی خود وارد ملکوت خواهد شد؛ فقط از طریق شایستگی و لیاقت مسیح است که شخص می‌تواند به آنجا راه یابد. ولی آنانیکه بخاطر ملکوت در اینجا رنج می‌برند کسانی هستند که در روز بازگشت او با وی سلطنت خواهند کرد (رومیان ۷:۸ ؛ دوم تیموتائوس۱۲:۲).

راجرز (E. W. Rogers) در تفسیر این عبارت، تا شما مستحق ملکوت خدا بشوید، می‌گوید:

«این امر با مسئولیت بشری ارتباط دارد. از نظر حاکمیت خدا ما در نور با مقدسین شریک خواهیم بـود و ایـن ملاقات ما با مقدسین در ملکوت خدا مستلزم ایمان ما به مرگ و قیام مسیح است. ما در پسر حبیـب خداسـت کـه فیض یافته‌ایم، و این جدا از هرگونه امتیازی در ماست و ربطی به گناهانی کـه قبـل تـا در حـین نجـات یافتنمـان مرتکب می‌شویم ندارد. ولی خدا به قومش اجازه می‌دهد که به راه جفاها وارد شوند تا در ایشان صـفات اخلاقـی والا پدید آید که در اینصورت شهروندانی مستحق برای ملکوت باشند».

بعضی از رسولان از این شاد بودند که بجهت نام عیسی لایق شکنجه و رنج شمرده می‌شوند. دعای پولس برای تسالونیکیان که خدا ایشان را مستحق دعوت گرداند هیچ ربطی به اضافه کردن به کار مسیح ندارد. صلیب ایمانـدار را لایق وضعیت خود در ملکوت گردانیده است ولی صبر و ایمان در مصیبتها ایـن لیاقـت اخلاقـی را در شـخص مجسم می‌سازد. در میان اعضای هر جامعه زمینی کسانی هستند که از دیگران کم اعتبارتر می‌باشند. پولس دعا کرد که در میان مقدسین اینطور نباشد.

ب: داوری عادل خدا (۱:٦-۱۰)

٦:۱ . عمل عادل خـدا از دو طریـق قابـل رویـت اسـت: هلاکـت بـرای جفاکننـدگان و سـپس آرامـی بـرای جفادیدگان. ویلیامز می‌گوید:

عمل خدا در اینکه اجازه می‌دهد قومش جفا ببینند و در اینکه اجازه می‌دهـد جفاکننـدگان آنهـا وجـود داشـته باشند، دلیلی دو گانه دارد: اولاً برای امتحان قرار دادن قومش برای آسمان (آیه۵)؛ و دوماً، جور شدن جفا کننـدگان برای داوری.

۷:۱ . درست چنانچه خدا هلاکت دشمنان قومش را مقرر نموده، آرامی را نیز برای کسانی کـه بخـاطر او رنـج می‌برند مهیا کرده است.

ما نباید از آیه ۷ این طور نتیجه گیری کنیم که رنج بردن مقدسین ایشان را از امتحان پـیش از آمـدن مسـیح از آسمان می‌رهاند. وقتی که یک ایماندار مُرد، آرامی می‌یابد. ایمانداران زنده از آرامی که در زمان ربوده شدن بوقـوع

خواهد پیوست لذت خواهند برد. آنچه که این آیه مـی‌گویـد ایـن اسـت کـه وقتـی خداونـد داوری خـود را بـرد دشمنانش بریزد، مقدسین بوسیه دنیا در حال لذت بردن از آرامی دیده خواهند شد.

زمان مجازات عادلانه خدا زمانیست که خداوند عیسی از آسمان با فرشتگان قوت خود ظاهر می‌شود. مجازات برای نردم بی‌دین است و آرامی برای ایماندارانی که در حین آمدن او باقی هستند. کـدام مرحلـهٔ آمـدن مسـیح در اینجا مد نظر است؟ این واضحاً مرحلهٔ سوم است، تجسم ظهور او وقتی که با مقدسین خود به زمین باز می‌گردد.

نکاتی در باب ربوده شدن و مکاشفه

ربوده شدن	مکاشفه
۱ـ مسیح در هوا می‌آید (اول تسالونیکیان ۱۷:٤)	۱ـ او برای مقدسین خود می‌آید (زکریا ٤:١٤)
۲ـ او برای مقدسینش می‌آید (اول تسالونیکیان ۱۷،١٦:٤)	۲ـ او با مقدسینش می‌آید (اول تسالونیکیان ۱۳:۳ ؛ یهودا ١٤)
۳ـ ربوده شدن یک سِرّ است، حقیقتی ناشناخته در عهدعتیق (اول قرنتیان۵۱:۱۵)	۳ـ ظهور یک سِرّ نیست؛ این موضوع بسیاری از نبوتهای عهد عتیق است (مزمور۷۲ ؛ اشعیا۱۱)
٤ـ آمدن مسیح برای مقدسینش هرگز گفته نشده بود که بوسیلهٔ نشانه‌ای آسمانی ادامه می‌یابد.	٤ـ آمدن او با مقدسینش بوسیله نشانه‌هایی در آسمانها اعلام شده بود (متی۲٤:۲۹،۳۰)
۵ـ ربوده شدن به عنوان زمان برکت عنوان شده است (اول تسالونیکیان ۱۸:٤)	۵ـ ظهور با روز خداوند یکی عنوان شده است (دوم تسالونیکیان ۲:۱ـ۱۲)
٦ـ ربوده شدن به عنوان زمان برکت هنوان شده است (اول تسالونیکیان ۱۸:٤)	٦ـ تأکید اصلی ظهور بر داوری است (دوم تسالونیکیان ۸:۲ـ۱۲)
۷ـ ربوده شدن در لحظه‌ای بوقوع می‌پیوندد، در یک چشم بر هم زدن (اول قرنتیان۵۲:۱۵). این قویاً بطور ضمنی عنوان می‌کند که بوسیله جهان شهادت داده نخواهد شد.	۷ـ ظهور برای کل جهان قابل رویت خواهد بود (متی۲۷:۲٤ ؛ مکاشفه۷:۱)
۸ـ ربوده شدن به نظر اساساً برای کلیساست (یوحنا۱:۱٤ـ٤ ؛ اول قرنتیان۵۱:۱۵ـ۵۸)	۸ـ ظهور اساساً مربوط به اسرائیل می‌شود، و همچنین به امتهای غیر یهودی (متی۱:۲٤ـ۲۵ ؛ ٤٦)
۹ـ مسیح به عنوان ستاره صبح و روشنایی خواهد آمد (مکاشفه۱٦:۲۲)	۹ـ او به عنوان آفتاب عدالت ظهور خواهد نمود که بر بالهایش شفا خواهد بود (ملاکی۲:٤)
۱۰ـ ربوده شدن در اناجیل هم نظر نشان داده نشده است، بلکه چندین بار در انجیل یوحنا عنوان شده است.	۱۰ـ ظهور در اناجیل هم نظر آمده است ولی کمتر می‌توان آن را در انجیل یوحنا یافت
۱۱ـ آنانی که بالا برده شدند برای برکت برگرفته	۱۱ـ آنانی که برداشته شوند برای داوری هستند و

می‌شوند (اول تسالونیکیان ٤:١٣ـ١٨). آنانیکه بمانند برای داوری خواهند ماند (اول تسالونیکیان ٥:١ـ٣)	آنانیکه بمانند برای برکت (متی٢٤:٣٧ـ٤١)
١٢ـ هیچ تاریخی نمی‌تواند زمان وقایع قبل از ربوده شدن را معین کند	١٢ـ تقویم شخصی برای وقایع ظهور داده شده است همانند ١٢٦روز، ٤٢ماه، ٣سال و نیم. (ر.ک دانیال٧:٢٥، ١٢:٧،١١،١٢؛ مکاشفه١١:٢؛ ١٢:١٤؛ ١٣:٥)
١٣ـ عنوان پسر انسان هرگز در هیچکدام از وقایع ربوده شدن نیامده است.	١٣ـ از ظهور به عنوان روز آمدن پسر انسان نام برده شده است (متی١٦:٢٨؛ ٢٤:٢٧،٣٠،٣٩؛ ٢٦:٦٤؛ مرقس١٣:٢٦؛ لوقا٢١:٢٧).

پس درست است که این دو واقعه جداگانه هستند، ولی چگونه می‌دانیم که آنها همزمان واقع نمی‌شوند؟ چگونه ما می‌دانیم که آنها با یک فاصله از هم بوقوع خواند پیوست؟

سه دلیل برای اثبات آن می‌توان عنوان کرد:

١ـ اولی بر پایه نبوت دانیال از هفتاد هفته می‌باشد (دانیال٩:٢٥ـ٢٧). ما در حال حاضر در دوران کلیسای معترضه هستیم یعنی بین شصت و هفتمین و هفتادمین هفته‌ها. هفته هفتادم زمان هفت سال مصیبت عظیم است. کلیسا به خانه آسمانی قبل از زمان مصیبت به بالا برده خواهد شد (رومیان٥:٩؛ اول تسالونیکیان ١:١٠؛ اول تسالونیکیان ٥:٩؛ مکا٣:١٠). آمدن مسیح برای سلطنت ژس از هفته هفتادم بوقوع می‌پیوندد (دانیال٩:٢٤؛ متی٢٤).

٢ـ دمین دلیل برای فاصله بین زمان ربوده شدن و تجسم بر پایه ساختار کتاب‌مقدس است. در سه باب اول، کلیسا بر زمین دیده می‌شود. بابهای ٤ تا ١٩:١٠ وره مصیبت عظیم را شرح می‌دهند یعنی زمانیکه غضب خدا بر جهان بخاطر رد کردن فرزندش ریخته می‌شود. هرگز گفته نشده که کلیسا در زمان مصیبت عظیم بر زمین باقی است. کلیسا ظاهراً در پایان باب سوم به آسمان برده شده است. در مکاشفه ١٩:١١، مسیح به زمین باز می‌گردد تا دشمنان خود را مطیع سازد و ملکوتش را بر زمین بر قرار سازدـ در پایان دوره مصیبت عظیم.

٣ـ سومین دلیل این است که لازم است فاصله‌ای بین آمدن مسیح برای مقسینش و آمدن او به همراه مقدسینش باشد. در زمان ربوده شن همهٔ ایمانداران از جهان خارج خواهند شد و بدنهای جلال یافته خواهند یافت. ولی وقتی که مسیح برای سلطنت باز گردد، ایماندارانی بر روی زمین باقی هستند که هنوز بدنهای جلال یافته را دریافت نرده و ازدوج نموده و فرزندان خود را در حین دروه سلطنت هزار ساله بزرگ می‌کنند (افسسیان١١:٦،٨). این ایمانداران از کجا آمده‌اند؟ باید یک دوره‌ای بین ربوده شدن و ظهور وجود داشته باشد که آنها در آن دوره بتوانند تغییر گرایش بدهند.

حالا به آیه هفتم باز گردیم، ما ورود خداوند عیسی را قوت و جلال عظیم شاهد هستیم.او بوسیله فرشتگان قوت خود در خدمتش هستند خواهدآمد.

۸:۱ . آتش مشتعل می‌تواند اشاره به شخینا باشد یعنی ابر جلالی که سمبل حضور خدا است (خروج۱۶:۱۰) یا می‌تواند تصویری از داوری آتشین باشد که بر جهان فرود خواهد آمد (مزمور۵۰:۳؛ اشعیا۶۶:۱۵). احتمالاً منظور مورد دوم است. هنگامیکه خدا انتقام می‌گیرد، این یک نوع کینه‌جویی نیست بلکه یک عمل عادلانه است. هیچ تعلیمی راجع به از کوره در رفتن خدا وجود ندارد بلکه هلاکتی که او مقرر کرده است نشان دهنده این است که او مقدس و عادل است و قدوسیت و عدالت او چنین هلاکتی را می‌طلبد. او از مردن انسان شریر هیچ لذتی نمی‌برد (حزقیال۱۸:۳۲).

پولس دو مورد برای مجازات عنوان می‌کند:

۱ـ از آنانی که خدا را نمی‌شناسند ـ آنانی که شناخت خدای حقیقی را چنانچه در حقیقت و عقل خود مکشوف بود رد کردند (رومیان۱،۲). آنها هرگز انجیل را نخواهند شنید.

۲ـ از آنانی که انجیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت نمی‌کنند ـ آنانیکه پیام انجیل را شنیده و آن را رد کرده‌اند. انجیل به سادگی مجموعه‌ای از حقایق نیست که باید آنها را باور کرد بلکه یک شخصیت است که باید از او اطاعت کرد. ایمان به عهد جدید مستلزم اطاعت است.

۹:۱ . ایشان هلاک خواهند شد. خدایی که از گناه انتقام نکشد خدا نیست. اینکه خدای محبت نباید گناه را داوری کند بر این حقیقت نظر دارد که مقدس است و باید بر طبق اصل و اساس خود رفتار کند. طبیعت هلاکت در اینجا به عنوان هلاکت جاودانی تعریف شده است. کلمه‌ای که جاودانی ترجمه شده است (aionios) می‌باشد که هفتاد بار در عهدجدید بکار رفته است. سه بار به معنای ابد یا پایان آمده است. این کلمه همچنین در رومیان ۱۶:۲۶ برای توصیف وجود ابدی خدا بکار رفته است.

هلاکت هرگز به معنی نابودی نیست. این کلمه به معنای وجود منفی و یا مخروب می‌باشد و عکس هدف موجودیت. مشک شرابی که خداوند عیسی در لوقا ۵:۳۷ توضیح داد تباه شد. (این ریشه همان کلمه‌ای است که در ایجا بکار رفته است). آنها هرگز وجودشان متوقف نمی‌شود بلکه تا جاییکه به هدف موجودیت آنها بستگی دارد ایشان تباه شده‌اند.

این متن اکثراً بوسیله پس هزاره‌ای ها برای اثبات نظریاتشان مورد استفاده قرار گرفته است. آنها از این آیه برای گفتن این امر استفاده می‌کنند که ایمانداران تا زمانیکه مسیح برای سلطنت نیاید آرامی نخواهند یافت و جفا کنندگان آنها نیز هلاک نخواهند شد تا مسیح بیاید و این امر در پایان دوره مصیبت عظیم بوقوع می‌پیوندد. بنابراین انها تیجه‌گیری می‌کنند که امید ایمانداران ربوده شدن پس از سلطنت هزارساله است.

آنچه که ایشان نمی‌بینند این است که تسالونیکیانی که این نامه برایشان نوشته شده است همگی مرده‌اند و از بودن با خداوندآسمانی آرامی یافته‌اند به همین صورت جفا کنندگان ایشان همگی مرده‌اند و در عذاب هستند.

پس چرا پولس به نظر می‌آید که دارد می‌گوید این شرایط تا زمانیکه مسیح باز نگردد بوقوع نخواهد پیوست؟ دلیلش این ات که این شرایط به طور باز در جهان ظاهر خواهند شد. سپس جهان خواهند دید که تسالونیکیان درستکار بوده و جفا کنندگان بر عکس. مقدسین در حال آرامش به همراه مسیحی که در جلال باز می‌گردد دیده

می‌شوند. هلاکتی که از جانب خداوند برای دشمنان او می‌آید در زمان پایان دروه مصیبت عظیم خواهد بود و همه آنرا خواهند دید و شامل حال همهٔ ملعونان می‌شود که در تمامی دورانها قوم خدا را جفا رسانده‌اند. این به ما کمک می‌کند که به یاد داشته باشیم که آمدن مسیح برای سلطنت زمان ظهور است. آنچه که همیشه یک حقیقت ناشناخته برای دنیا بوده است روزی دیده خواهد شد ولی در مورد ربوده شدن این طور نیست.

هلاکت شریران همچنین شامل تبعید از حضور خداوند و از جلال قوت اوست. هلاک شدن بدون او یعنی بودن بدون او برای ابد.

۱۰:۱ . آمدن او زمان جلال برای خداوند و تعجب برای تماشاچیان خواهد بود. او در مقدسان خود جلال خواهد یافت که این یعنی محترم شمرده خواهند شد و این بخاطر آن کاری است که او از طریق انسان انجام داده است. نجات، تقدیس و جلال یافتن ایشان در خور ستایش است و با فیض و قوت او سازگار می‌باشد. در همه ایمانداران از او تعجب کنند. تماشاچیان شگفت زده بر او خواهند نگریست چنانکه نخواهند داشت با چنین توده انسانی پر جلال و عظیمی قادرند چه کاری انجام دهند! و این شامل حال ایمانداران تسالونیکیه نیز می‌شود چرا که ایشان به شهادات رسولان ایمان آوردند. انها در جلال و ظفر آن روز سهیم خواهند شد یعنی روز ظهور عیسی مسیح.

برای باز بینی بهتر است ما آیات ۵ـ۱۰ را اینطور تعبیر کنیم: «این آزارها و ناملایمات نشان می‌دهند که راه‌های خدا منصفانه و عادلانه است، زیرا او بوسیله این زحمات و رنجها، از یک طرف شما را برای ملکوت خود آماده می‌کند و از طرف دیگر تنبیه و مجازات را برای آنانی که شما را زجر می‌دهند مهیا سازد. بنابراین به شما که رنج و آزار می‌بینید، اعلام می‌دارم که وقتی عیسی خداوند به ناگاه در میان شعله‌های آتش و با فرشتگان نیرومند خود از آسمان ظاهر شود، خدا به ما و به شما آسودگی خواهد بخشید؛ اما آنانی را که از شناختن خدا و پذیرش نقشه نجات او خواهند رسید، و تا ابد از حضور خداوند دور خواهند ماند و هرگز شکوه و عظمت قدرت او را نخواهند دید. بلی، این رویدادها در روز بازگشت او واقع خواهند شد روزی که قوم او و مومنین او، ستایش و تحسین را نثار او کنند. در آن روز شما نیز در میان ستایش کنندگان او خواهید بود، زیرا به شهادتی که ما درباره او دادیم، ایمان آوردند».

ب: دعای پولس برای مقدسین (۱۲،۱۱:۱)

۱۱:۱ . در آیات قبلی پولس رسول دعوت پرجلال مقدسین را توصیف کرد. آنها برای رنج بردن در جفاهایی دعوت شده‌اند که انها را برای ورود به ملکوت سازگار می‌سازد. حالا او دعا می‌کند که زندگیهای ایشان در این زمان شایسته دعوتشان باشد و اینکه قدرت خدا آنها را برای اطاعت در هر نیکویی قادر بسازد و همه وظایف ایمانی خود را به انجام رسانند.

۱۲:۱ . نتیجه اینها دو جنبه خواهد داشت. اولاً، نام خداوند ما عیسی مسیح در ایشان جلال خواهد یافت. این یعنی که آنها او را به جهان ظاهر می‌سازند و جلال می‌دهند. سپس آنها همچنین در او جلال می‌یابند. مشارکت با

او که سر ایشان است، برای آنها به عنوان اعضای بدن وی حرمت به بار می‌آورد. باب اول با یک یادآوری مبنی بر اینکه این دعا می‌تواند فقط بحسب فیض خدای ما و عیسی مسیح خداوند جواب داده شود به اتمام می‌رسد. پس او توصیفی اعجاز آمیز از مفهوم رنج بردن ایمانداران در زندگیشان ارائه داد. تصور کنید که تسالونیکیان وقتی که این پیغام اطمینان بخش را می‌خوانند چقدر تشویق می‌شدند!

۳ـ راجع به روز خداوند (۲:۱ـ۱۲)

الف: تقاضای پایداری (۲:۱،۲)

۲:۱ . حالا پولس می‌پذیرد که در اذهان مقدسین راجع به آمدن خداود ما عیسی مسیح و روز خداوند یک گمراهی وجود دارد و او می‌خواهد که آن را تصحیح کند. مقدسین از چنین جفای طاقت فرسایی رنج می‌برند و برایشان آسان بود که فکر کنند در دوره‌ای از روز خداوند یا مصیبت عظیم بسر می‌برند. و شایعات نیز در اطراف آنها شیوع پیدا می‌کرد مبنی بر اینکه خود پولس رسول تعلیم داده است که روز خداوند فرار رسیده است! پس او می‌بایست این را نقض می‌کرد. یک سوال قطعی در آیه اول راجع به کلمه کوچکی که پولس بکار برد اینجا می‌شود: درباره (یونانی:huper). مشکل یا این است که او به مقدسین درباره آمدن خداوند توضیح می‌دهد یا بوسیله آمدن خداوند. اگر مفهوم اول را در نظر بگیریم به نظر متن ربوده شدن و روز خداوند را همزمان تعلیم می‌ددهد ولی آیات بعدی به وضوع نشان می‌دهند که این طور نیست. اگر دومین مفهوم را در نظر بگیریم پس پولس به ایشان می‌گوید تا زمانی که ربوده شدن بوقوع پیوسته است آنها روز خداوند را نخواهند دید. مسئله شک برانگیز است. ما با ویلیام کلی (William Kelly) در این مورد که نظریه دوم صحیح است موافقیم: آرامی آمدن ثانوی خداوند به عنوان انگیزه‌ای برای رد نظریه غلطی که روز خداوند در آن زمان در آنجا بوده است کاملاً مورد پذیرش است.

ما درک می‌کنیم که پولس می‌خواست بگوید: «من از شما تقاضا دارم تا بر پایه ربوده شدن ایماندارن، شما نباید از اینکه در روز خداوند هستید ترسان باشید. ربوده شدن اول به وقوع خواهد پیوست. در آن زمان شما به آسمان بالا برده خواهید شد و از ترسها و لعنتهای روز مهیب خداوند رهایی خواهید یافت».

عبارت آمدن خداوند ما عیسی مسیح و جمع شدن ما به نزد او، به نظر می‌آید به ربوده شدن اشاره داشته باشد. این زمانی است که ما با هم در هوا او را استقبال می‌کنیم.

۲:۲ . این امر باید واضح باشد که ربوده شدن همان روز خداوند نیست. تسالونیکیان راجع به اینکه خداوند آمده است نگران نبودند؛ آنها می‌دنستند که او هنوز بازگشت نکرده است. ولی ایشان نگران بودند که روز خداوند آغاز شده باشد. جفای سختی که آنها متحمل می‌شدند باعث شده بود کمان کنند که در دروه مصیبت عظیم، یعنی اولین دوره روز خداوند هستند.

شایعاتی نیز مبنی بر اینکه خود پولس گفته است که روز خداوند فرا رسیده است به گوش شنیده می‌شد. همانند اکثر شایعات، آنها نیز خیلی بی‌اساس بودند. پولس رسول اطلاعات خود در این زمینه را از طریق روح یعنی یک مکاشفه خاص دریافت کرده بود. بر طبق گزارشی دیگر، اخبار بوسیله کلامی که پولس رسول در جمع مبنی بر شروع دوره مصیبت عظیم عنوان کرده است شایع شده بود. عموماً از رساله‌ای که گویا از ما باشد نشان دهنده رساله‌ای کذبه از پولس راجع به اینکه روز خداوند شروع شده است می‌باشد. عبارت که گویا از ما باشد احتمالاً مربوط به روح، کلام و رساله است. هیچکدام از این منشأها قابل اعتماد نبودند. بر طبق ترجمه کینگ جیمز (KJV) یا ترجمه جدید کینگ جیمز (NKJV) به مقدسین از این ترسان بودند که روز مسیح فرا رسیده باشد. روز مسیح شبیه عبارتی است که برای ربوده شدن و تخت داوری مسیح بکار رفته است (اول قرنتیان۱:۸؛ ۵:۵؛ دوم قرنتیان۱:۱٤؛ فیلیپیان۱:٦؛ ۲:۱۵،۱٦).

ولی تسالونیکیان از این ترسان نبودند که روز مسیح نزدیک بود. این به معنای آزادی ایشان از رنجهایشان بود. اکثر پیش هزاره‌ای‌ها ترجیح می‌دهند که این آیه را از روی ترجمه (RSV) بخوانند: «روز خداوند هم اکنون فرا رسیده است». خوانندگان پولس از این می‌ترسیدند که روز غضب خدا آغاز شده باشد.

ب) مرد شریر (۲:۳ـ۱۲)

۲:۳ . حالا پولس رسول توضیح می‌دهد که چگونه آنها نمی‌توانند در آن روز باشند. وقایع مشخصی، اول می‌بایست به وقوع بپیوندند. پس از ربوده شدن، این وقایع شروع خواهند شد.

اول از همه یک ارتداد به وقوع خواهد پیوست. این یعنی چه؟ ما فقط می‌توانیم حدس بزنیم که این به دل کندن عمدهٔ مسیحیان از مسیحیت اشاره دارد یعنی رد کردن ایمان مسیحی.

سپس رقم عظیم دنیا بر خواهد خواست. او شخصیتاً بی‌دین و شریر است که این یعنی تجسم گناه و تمرد. سرنوشت او در عبارت فرزند هلاکت دیده می‌شود؛ او برای داوری ابدی لعنت شده است. کتاب‌مقدس شامل متون زیادی در وصف اهمیت شخصیتهای مختلفی می‌شود که در حین دوره مصیبت عظیم برخواهند خواست و دشوار می‌باشد که بین اسامی و شخصیتها تفاوت را یافت. بعضی از مفسرین معتقدند که مرد شریر یک ضد مسیح یهودی خواهد بود. دیگران تعلیم می‌دهند که او رئیس غیر یهودی بوده و از امپراتوری روم برخواهد خواست. در اینجا نام حاکمین بزرگ زمانهای آخر را مشاهده می‌کنیم:

... مرد شریر و فرزند هلاکت (دوم تسالونیکیان ۲:۳)

... ضد مسیح (اول یوحنا۲:۱۸)

... شاخ کوچک (دانیال۷:۸، ۲٤ب-۲٦)

... پادشاهی سخت روی (دانیال۸:۲۳)

... رئیسی که می‌آید (دانیال۹:۲٦)

... پادشاه (دانیال۱۱:۳٦)

... شبان باطل (زکریا ۱۱:۱۷)

... وحش از دریا (مکاشفه۱۳:۱ـ۱۰)

... وحش از زمین (مکاشفه۱۳:۱۱ـ۱۷)

... وحش قرمز با هفت و سروده شاخ (مکاشفه۱۷:٤، ۸ـ۱٤)

... پادشاه شمال (دانیال۱۱:٦)

... پادشاه جنوب (دانیال۱۱:٤۰)

... نبی کاذب (مکا۱۹شفه:۲۰، ۲۰:۱۰)

... جوج، از سرزمین ماجوج (حزقیال۳۸:۲ـ۳۹:۱۱) این نباید با جوج مکاشفه ۲۰:۸ اشتباه رفته شود؛ او پس از سلطنت هزار ساله برخواهد خواست.

... او که به نام خود می‌آید (یوحنا۵:٤۳)

مرد شریر در طول سالها به افراد مختلفی اطلاق شده است. او با کلیسای کاتولیک رومی، پاپ، امپراتوری روم، آخرین شکل ارتداد از مسیحیت، تجلی دوباره یهودا، تجلی دوباره نرون، دولت اسرائیل، لوتر، ناپلئون، موسیلینی و تجسم شیطان یکسان فرض شده است.

۲:٤ . او شدیداً با هرگونه پرستش آسمانی به مخالفت برخاسته و خودش را در هیکل خدا در اورشلیم تاجگذاری می‌نماید. این توصیف واضحاً او را به عنوان ضد مسیح در دوره مصیبت عظیم به وقوع خواهند پیوست. آنانی که از پرستش ضد مشیح یرباز زنند مورد جفا واقع شده و بسیاری از ایشان شهید خواهند شد.

۲:۵ . پولس به تسالونیکیان این چیزها را وقتی که هنوز با ایشان بود گفته بود. بهر حال، بوسیله تعالیم غلط آنها به نظر گمراه شده بودند و جفاهایی که متحمل می‌شوند گفته‌های پولس را از یادش برده بود. ما نیز به سادگی این چیزها را فراموش می‌کنیم و دائماً در مورد حقایق عظیم ایمانمان نیاز به یادآوری داریم.

۲:٦ . آنها می‌دانستند که چه چیزی مانع تجسم مرد شریر است و چه چیزی می‌باشد که تا زمان وجودش او نخواهد آمد.

این امر را به جواب سومین سئوال جواب داده نشده خود در این باب می‌رساند. اولین سئوال این است: «مانع کدام است؟»

در قسمت اول آیه ٦، مانع به عنوان یک عامل بدون شخصیت آمده است... آنچه را که مانع است. ولی در آیه ۷ یک شخصیت است ـ آنکه تا به حال مانع است ... راجز به وضوح می‌گوید:

«این واضحاً چیزی و شخصی است که با هدفی مشخص و از روی عمد مانع عمل مرد شریر می‌شود که در زمان معین خود ظهور خواهد کرد.»

هفت نظریه یا بیشتر از آن برای تعیین هویت مانع اینها هستند:

۱ـ امپراتوری روم

۲ـ دولت اسرئیل

۳ـ شیطان

٤ـ اصول شریعت و قوانینی که در دولتهای بشری یافت می‌شود

۵ـ خدا

٦ـ روح‌القدس

۷ـ کلیسای حقیقی به عنوان مکانی که بوسیله روح‌القدس پُر است.

به نظر می‌آید که روح‌القدس که در کلیسا و هر ایمانداری ساکن است مناسب‌ترین تعریف برای مانع باشد. چنانچه از مانع به عنوان چیزی و شخصی در این باب سخن گفته شده است، از روح نیز در یوحنا٢٦:١٤، ٢٦:١٥، ٨،١٣،١٤:١٦ تحت یک نام (روح‌لقدس) و هم یک نام مذکر بکار رفته است. در پیدایش ٣:٦، از روح‌القدس در ارتباط با مانع بدی سخن گفته شده است. که ایشان می‌توانند نمک جهان (متی۱۳:۵) و نور جهان (متی۱٤:۵) باشند. نمک از فساد جلوگیری می‌کند. نور، تاریکی را از میان می‌شکافد و تاریکی قلمرویی است که انسانها دوست دارند در آنجا اعمال بد خود را ظاهر سازند (یوحنا۱۹:۳). وقتی که روح‌القدس جهان را ترک کند، در آن زمان دیگر، آنکه دائماً در کلیسا (اول قرنتیان۱٦:۳) و در ایمانداران (اول قرنتیان۱۹:٦) ساکن است و مانع بدی است نخواهد بود.

۷:۲ . حتی پولس نوشت که، آن سری بی‌دینی که الان عمل می‌کند و ما بوسیله این نوشته درک می‌کنیم که روح عظیم نااطاعتی از خدا در حال حاضر تحت فشار عامل مانع قرار دارد. این روح در شکل یک سر عمل می‌کند ـ و نه اینکه اسرار آمیز باشد بلکه کاملاً تجسم نشده است. این روح هنوز در شکل یک جنین عمل می‌کند تا زمانیکه عامل مانع برداشته شود.

چه چیزی تجسم کامل این روح را مانع شده است؟ ما معتقدیم که حضور روح‌القدس ساکن در کلیسا و هر ایمانداری که قدرت مانع را دارا می‌باشد. او وظیفه خود را تا زمانی انجام خواهد داد که از میان برداشته شود و این یعنی در زمان ربوده شدن.

ولی در اینجا اعتراضی بر می‌خیزد. چگونه روح‌القدس از جهان برداشته می‌شود؟ روح‌القدس به عنوان یکی از شخصیت‌های ذات خدا، آیا او حاضر مطلق نیست یعنی در همه جا و در همه زمانها حاضر نیست؟ پس چگونه می‌تواند این جهان را ترک کند؟ البته، روح‌القدس حاضر مطلق است. او همیشه و در همه مکانها در یک زمان حاضر است، ولی مفهوم متفاوتی در آمدن او به زمین در روز پنطیکاست پدید آمد. عیسی بارها وعده داده بود که پدر، روح را خواهد فرستاد (یوحنا ٢٦،١٦:١٤؛ ٢٦:١٥؛ ٧:١٦) پس چگونه روح‌القدس آمد؟ او آمد تا دائماً در کلیسا و در هر ایمانداری ساکن گردد. تا زمان پنطیکاست، روح‌القدس با ایمانداران بود ولی از پنطیکاست به بعد او در ایشان ساکن شد (یوحنا۱۷:۱٤). تا زمان پنطیکاست روح بخش شناخته شده در وجود ایمانداران بود ـ از این رو داود دعا کرد: «روح قدوس خود را از من مگیر (مزمور۱۱:۵۱ب). پس از پنطیکاست روح آمد تا برای همیشه در ایماندارن کلیسا در همه دورانها ساکن شد (یوحنا١٦:١٤).

ما معتقدیم که روح‌القدس این جهان را به همان شکلی که در روز پنطیکاست آمد، ترک خواهد کرد- که این یعنی کلیسا و ایمانداران را ترک خواهد گفت. او هنوز هم در جهان خواهد بود، و مردم را به گناه ملزم کرده و ایشان را به ایمان نجات بخش در مسیح هدایت خواهد کرد. برداشته شدن او در زمان ربوده شدن به این معنا نیست که دیگر هیچکس در آن دوره یعنی مصیبت عظیم نجات نخواهد یافت. البته که ایشان نجات خواهند یافت. ولی این مردمان اعضای کلیسا نخواهند بود بلکه اعضای ملکوت پر جلال مسیح بر زمین در آن زمان.

۸:۲ . پس از اینکه کلیسا به آسمان ربوده شد، آن بی‌دین به جهان ظاهر خواهد شد. در این آیه، پولس رسول از کار ضد مسیح گذشته و لعنت ابدی او را توصیف می‌کند. همچنین این آیه به نظر دارد می‌گوید که او به محض ظهورش هلاک خواهد شد ولی البته که این طور نیست. به او اجازه داده می‌شود که سلطنتی را که در آیات ۹ــ۱۲ به آن اشاره شده است برقرار سازد.

اگر اعتقاد ما مبنی بر اینکه مرد شریر پس از ربوده شدن ظاهر خواهد شد و تا زمان ظهور مسیح در زمین خواهد بود، پس اعمال شریرانه او تقریباً هفت سال طول می‌کشد ـ دوره مصیبت عظیم. خداوند عیسی او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد (اشعیا۱۱:٤؛ مکاشفه۱۹:۱۵) و به تجلی ظهور خویش، او را نابود خواهد ساخت. کلمه‌ای از جانب مسیح و نوری که از ظهور او خواهد درخشید برای پایان کار آن سلطان کاذب و سرکش لازم است. تجسم آمدن مسیح، چنانچه توضیح داده شد زمانی است که او برای سلطنت هزار ساله به زمین باز می‌گردد.

۹:۲ . ظهور مرد بی‌دین با عمل شیطان است. اعمال او به یادآورنده اعمال شیطان است چونکه بوسیله شیطان تجهیز می‌شود. او هرگونه معجزه و قوت و آیات و عجایب دروغ را بعمل خواهد آورد. در اینجا مهم است که به این امر توجه داشته باشیم که همه معجزات از خدا نیستند. شیطان و عاملین او می‌توانند معجزات ظاهر سازند. مرد بی‌دین نیز معجزات ظاهر خواهد نمود (مکاشفه۱۳:۱۳ـ۱۵). معجزه‌ای که قدرت مافوق طبیعی را نشان می‌دهد و نه قرت آسمانی لزوماً از خدا نیست. معجزات خداوند ثابت می‌کردند که او مسیح موعود است و نه به سادگی چونکه آنها مافوق طبیعی بودند بلکه چون آنها نبوتهایی بودند که به انجام می‌رسیدند و شیطان نمی‌توانست آنها را بجا آورد چون اگر چنین می‌کرد بر ضد خودش عمل کرده بود.

۱۰:۲ . ضد مسیح با عمل غیر اخلاقی از همه نوع شرارتی برای تباه ساختن مردم استفاده خواهد کرد- آنانیکه انجیل را دروه فیض می‌شنوند ولی حقیقت را دوست نمی‌دارند، اگر ایشان ایمان می‌آوردند، نجات می‌یافتند. ولی حالا ایشان فریفته معجزات ضد مسیح شده‌اند.

۱۱:۲ . خدا عملاً به ایشان عمل گمراهی را خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند. البته دروغ همانا ادعای خدا بودن ضد مسیح است. این مردمان از پذیرش عیسی مسیح به عنوان خدای مجسم سرباز می‌زنند. وقتی که او بر روی زمین بود، به انسانها هشدار داد.: «من به اسم پدر خود آمده‌ام و مرا قبول نمی‌کنید؛ ولی هرگاه دیگری به اسم خود آید، او را قبول خواهید کرد». بنابراین حالا ایشان مرد شریر را که به نام خود می‌آید و می‌طلبد که مثل خدا

پرستیده شود می‌پذیرند. «نور رده شده همان نور انکار شده است». اگر شخصی در قلب خود بتی قرار دهد، خدا جواب او را بر طبق آن بت خواهد داد (حزقیال۱٤:٤).

ضد مسیح احتمالاً یک یهودی خواهد بود (خروج ۹:۲۸-۱۰؛ دانیال۱۱:۳۷-۳۸). یهودیان هرگز کسی را به عنوان مسیح موعود نخواهند پذیرفت مگر اینکه اجداد او از خاندان یهودا و داود باشند.

۱۲:۲ . از این متن به نظر می‌آید که آنانی که انجیل را در دوران فیض شنیدند ولی به مسیح اعتماد نکردمد دیگر فرصتی برای نجات یافتن پس از ربوده شدن نخواهند داشت. اگر انسانها الان به عیسی مسیح ایمان نیاورند، بعداً به ضد مسیح ایمان خواهند آورد. در اینجا گفته شده است که همهٔ ایشان داوری خواهند شد چون که ناراستی را دوست داشته و از آن شاد گشتند. این ما را به یاد لوقا ۲٤:۱٤ می‌اندازد: «زیرا به شما می‌گویم هیچ یک از آنانی که دعوت شده بودند، شام مرا نخواهند چشید».

ما می‌دانیم که بسیاری از مردم در زمان مصیبت عظیم نجات خواهند یافت. صد و چهل و چهار هزار یهودی برای مثال نجات خواهند یافت و پیامبران خدا در وعظه انجیل در ملکوت خدا به جهان خواهند بود. از طریق خدمت ایشان بسیاری نجات خواهند یافت. ولی به نظر می‌آید که آنایکه نجات می‌یابند کسانی هستند که هرگز پیام انجیل را نشنیده‌اند و در این دوره هرگز واضحاً پیغام نجات دهنده را نشنیده‌اند که بخواهند رد کنند.

٤. شکرگزاری و دعا (۱۳:۲-۱۷)

الف) شکرگزاری پولس از اینکه مقدسین از داوری رستگار خواهند شد (۱۳:۲-۱٤)

۱۳:۲ در دوازده آیه نخست، پولس لعنت ضد مسیح و پیروانش را توصیف کرد. حالا او به مسیحیان تسالونیکی رو کرده و دعوت و سرنوشت ایشان را کاملاً برعکس ضد مسیح و پیروانش است بیان می‌کند. او در حینی که به سرنوشت ایشان فکر می‌کند از خدا برای این برادران و عزیزان خداوند شکرگزاری می‌کند و راجع به نجات ایشان مختصری توضیح می‌دهد- گذشته، حال و آینده.

خدا شما را برگزید. کتاب‌مقدس واضحاً تعلیم می‌دهد که خدا انسانها از روی عمد نابودی خود را برمی‌گزینند. بدون مداخله خدا، همه انسانها تباه خواهند شد. آیا خدا حق دارد بعضی را برای نجات یافتن برگزیند؟ اساساً آرزوی او این است که همه نجات یابند (اول تیموتائوس۲:٤؛ دوم پطرس۳:۹). بهر حال کتاب‌مقدس عام گرای و اینکه همه به نوعی نجات خواهند یافت را تعلیم نمی‌دهد.

از ابتدا، این به دو شکل می‌تواند خوانده شود. اول، می‌تواند به این معنا باشد که انتخاب خدا قبل از بنیاد عالم صورت گرفته است (افسسیان۱:٤). دوم، عبارت در ابتدا نشان نمی‌دهد که تسالونیکیان پیش از بوجود آمدن مسیحیت بوسیله خدا برگزیده شده بودند تا نجات یابند.

برای نجات این باید با آیات قبلی بطور عکس سنجیده شود بی‌ایمانان بوسیله بی‌ایمانی‌شان به هلاکت ابدی محکوم‌اند در حالیکه ایمانداران برای نجات برگزیده شده‌اند. **به تقدیس روح** در اینجا ما کار پیش‌گرایش روح‌القدس را داریم. او هر شخصی را از دنیا برای خدا جدا می‌سازد و ایشان را به گناه ملزم کرده و به سوی

مسیح می‌آورد. شخصی به خوبی گفته است: «اگر مسیح در کار نبود، هیچ جشنی وجود نمی‌داشت؛ اگر روح‌القدس در کار نبود هیچ مهمانی وجود نداشت!».

وایمان به راستی اول شما سهم خدا را در نجات داشتید؛ حالا سهم انسان را. هر دو لازم و ضروری هستند. بعضی مردم فقط می‌توانند انتخاب خدا را ببینند، و بطور تلویحی می‌گویند که انسان هیچ کاری در این زمینه نمی‌تواند انجام دهد. دیگران زیاد بر سهم انسان تأکید می‌کنند و انتخاب حاکمانه خدا را نادیده می‌گیرند. حقیقت در هر دوی اینها نهفته است. برگزیدگی و مسئولیت بشری هر دو جز آموزه‌های کتاب‌مقدس هستند و باید هر دوی آنها را باور کرد و تعلیم داد حتی اگر نمی‌توانیم درک کنیم که چگونه می‌تواند درست باشد.

۱٤:۲ . و برای آن شما را دعوت کرد بوسیله بشارت ما. خدا از ازل ما را برای نجات برگزید. او ما را در آن زمان دعوت کرد. دعوت به زمانی اشاره می‌کند که یک شخص به حقیقت ایمان می‌آورد. بشارت ما به این معنی نیست که اناجیل هصیل دیگری وجود دارند. فقط یک انجیل وجود دارد ولی واعظین مختلف شنوندگان مختلفی هستند. پولس به بشارت خدا که بوسیله او موعظه می‌شد اشاره می‌کند.

برای تحصیل جلال خداوند عیسی مسیح. در اینجا پولس رسول سراغ آینده رفته و نتیجه نهایی نجات را می‌بیند- با مسیح بودن و به شباهت او در آمدن برای ابدیت.

داربی (J.N. Darby) تعلیم این آیه را به زیبایی در شعری جای می‌دهد:

آیا اینگونه است، به زودی شبیه تو می‌شوم؟

آیا این فیضی است که برایم در نظر داشت؟

پدر پر جلال! هجوم می‌آورند فکرها بر من!

در جلال، همانند یگانه مبارک او می‌شوم!

بنابراین در آیات ۱۳ و ۱٤ ما یک الهیات نظام‌مند کوچک داریم که خلاصه‌ای است از مجال قوم خدا برای ایمان آوردن به خدا و رسیدن به مقاصدی که او برایشان در نظر دارد. او به ما نجات می‌دهد که نجات اساساً یک انتخاب آسمانی است و بوسیله قدرت آسمانی میسر می‌گردد و از طریق یک پیغام آسمانی تأثیر می‌گذارد و در جلال آسمانی کامل خواهد شد.

ب: دعای پولس برای راحتی و پایداری مقدسین (۱۵:۲-۱۷)

۱۵:۲ . مقدسین با توجه به دعوت فوق‌العاده‌شان ترغیب شده‌اند که در آن روایات و کلام و تعلیمی که از رساله رسولان آموخته‌اند استوار بمانند. نکته مهمی که در اینجا باید بدان توجه نمود این است که تنها روایاتی که از رسولان بطور الهامی بیان شده است قابل اقتدا می‌باشند. عیسی کاتبان و فریسیان را برای لغو کردن احکام خدا بوسیله روایات خود محکوم کرد (متی۱۵:٦). پولس به کولسیان بر ضد روایات انسانی هشدار داد (کول۸:۲) روایاتی که ما باید حفظ کنیم حقایق بزرگی هستند که برای ما در نوشته‌های مقدس ثبت گردیده‌اند.

این آیه گاهی اوقات برای صحیح جلوه دادن روایات و سنت کلیسایی یا رهبران مذهبی مورد استفاده قرار گرفته است. ولی هر روایتی که بر خلاف کلام خدا باشد بی‌ارزش و خطرناک است. اگر روایات انسانهای معمولی مثل کتاب‌مقدس مورد پذیرش واقع شود، چه کسی می‌تواند تشخیص دهد که کدام روایت درست و کدان روایت غلط است؟

۱۶:۲ . پولس رسول که پیغامش را به مقدسین بیان کرده است حالا همان را دعا می‌کند. او معمولاً تعالیم خود را با دعا ادامه می‌دهد (اول تسالونیکیان ۲۴،۲۳:۵؛ دوم تسالونیکیان ۱۶:۳). این دعا خطاب به خود خداوند ما عیسی مسیح و خدای پدر ماست. ما با هر دو شخصیت آسمانی که پولس عنوان کرده است آشنایی داریم و می‌دانیم که این دو یکی هستند ولی معمولاً نام پسر اول نمی‌آید. او البته در این آیه به اتحاد و تساوی کامل ایشان اشاره می‌کند. در یونانی، مبتدای جمع (مسیح و خدا) به همراه چهار فصل مشابه مفرد آمده است (محبت نمود، بخشید، تسلی داد، استوار گرداند). این جز نشانه یکی بودن طبیعت پسر و پدر در ذات خدا چه چیزی می‌تواند باشد؟

تدارک ازلی خدا به عنوان تشویقی برای اعتماد به وی برای آینده و شجاعت و قوت معرفی شده است. او ما را نحبت نمود و نسلی ابدی و امید نیکو را به فیض خود به ما بخشید. بدون شک این به عظیم‌ترین عمل محبت خدا اشاره دارد ـ عطیه پسر خدا برای ما. چون ما می‌دانیم که او در جلجتا مسئله گناه را حل کرد و تا ابد تسلی یافته‌ایم و امید جلال آینده را دارا می‌باشیم ـ و همه اینها از طریق فیض او به ما بخشیده شده‌اند.

۱۷:۲ . دعای پولس این است که خدا دلهای مقدسین را تسلی عطا کند و ایشان را در هر فعل و قول نیکو استوار گرداند. نه فقط در سختیها ایشان را تسلی دهد بلکه به ایشان قوت بدهد تا در جنگ به پیش روند. کلمه عقب‌نشینی در لغت نامه پولس رسول وجود نداشت و نباید در لغت نامه ما هم باشد. نسبت به عبارت هر فعل و قول نیکو بی‌توجه نباشید. حقیقتی که بر زبان ماست کافی نمی‌باشد؛ این حقیقت باید در زندگی ما عملی شود. بنابراین در زندگی ما باید ترتیبی در تعالیم و اعمال باشند و ترتیبی در آموزه‌ها و وظایف و ترتیبی در موعظه و عمل.

۵. نصایح عملی (۳:۱-۱۵)

الف) برای دعای دو جانبه (۳:۱-۵)

۱:۳ . پولس احساس می‌کرد که به دعای مقدسین احتیاج دارد. این باب با تقاضای او برای دعا در این سه حوزه شروع شد:

۱ـ برای انتشار پیغام

۲ـ پیروزی پیغام

۳ـ محافظت از پیغامبران.

او آرزو داشت که کلام خداوند جاری شود تصویر زیبایی از رفتن انجیل از مکانی بـه مکـان دیگـر بـا وجـود موانع (مزمور۱۴۷:۱۵).

او همچنین آرزو داشت که کلام همان تأثیر فوق‌العاده و روحانی و اخلاقی خود را که در هر مکـانی بـر جـای گذاشته است در تسالونیکی نیز بگذارد.

۲:۳ . تقاضای سوم این است که پولس رسول و همکارنش از مردم ناشایسته شریر برهند. به نظر می‌آید که او به مخالفان شخصی اشاره می‌کند که احتمالاً یهودیانی در قرنتس بودند (اعمال۱۸:۱ــ۸). انتخـاب کلمـه ناشایسـته کاملاً مناسب است؛ هیچ چیزی ناشایست‌تر و غیر عقلانی‌تر از ضدیت مردم با انجیل و پیام آن وجـود نـدارد. ایـن چیزی است که توضیح دادن را بیدفایده می‌گرداند. ایشان شاید راجع به سیاست، علـم یـا یـک موضـوع و گـروه خاصی بطور شایسته سخن گویند ولی وقتی که سخن از انجیل به میان می‌آید ایشان همه حس شایستگی خـود را از دست می‌دهند.

۳:۳ . زیبایی آیهٔ ۲و۳ را فراموش نکنید: «همه را ایمان نیست». «ولی خداوند امـین اسـت». ایـن بـه مـا تعلـیم می‌دهد که نگاه خود را از انسانهای بی‌ایمان برداشته و به خدای شکست ناپذیر خود نگاه کنیم. او تا به پایان امـین است (اول قرنتیان۱:۹). او این است تا ما را از وسوسه برهاند (اول قرنتیان۱۰:۱۳). او این است تا همهٔ گناهان ما را بیامرزد و ما را از ناراستی پاک کند (اول یوحنا۱:۹). و در اینجا او این است که ما را استوار و از شریر یعنی همـان شیطان محفوظ بسازد.

۴:۳ . همه را ایمان نیست ... خداوند امین است ... بر شما در خداوند اعتماد داریم. چنانچه دنی (Denny) گفته است: «در خداوند شما می‌توانید به ضعیفان، معلولان و ناتوانان و سبک مغزان نیز اعتمـاد کنیـد». حـالا پـولس بـه مقدسین مسئولیت ایشان را برای انجام آنچه به ایشان امر فرموده بود یادآوری می‌کند. در اینجا مجـدداً مـا آمیختـه شدن جالب و فوق‌العاده آسمان و بشر را داریم: خدا شما را حفظ خواهد کرد؛ حالا شما فرامین را حفظ کنید. ایـن همان تعلیمی است که در اول‌پطرس۱:۵ دیده می‌شود: «که به قوت خدا محروس هستید (سهم او) از طریـق ایمـان (سهم ما)». ما همچنین در فیلپیان ۱۳،۱۲:۲ نیز این را می‌بینیم: «نجات خود را به ترس و لرز بعمل آورید (سهم ما) زیرا خداست که در شما بر حسب رضامندی خود، هم اراده و هم فعل را بعمل ایجاد می‌کند (سهم او)».

۵:۳ . در زمان جفاها آسان است که تفکرات تلخ که در قبال دیگران داریم را پرورش دهـیم چـون در آن دوره رنج و درد زیاد است. برای همین خاطر بود که پولس رسول دعا کرد که تسالونیکیان مثل خدا محبت کنند و مثـل مسیح صبور باشند.ترجمه جدید کینگ جیمز می‌گوید: «و خداوند دلهای شما را به محبت خود و بـه صـبر مسـیح هدایت کناد». در ترجمه سال۱۶۱۱ به معنای صبر برای بازگشت مسیح بود. حالادر ترجمه جدید به نظر به معنـای نشان دادن همان صبر در سختیها می‌باشد مثل صبری که مسیح وقتی به عنوان انسانی بر روی زمین بود نشان داد و الان هم در آسمان نشان می‌دهد.

خداوند در این آیه می‌تواند به روح‌القدس اشاره داشته باشد، و همچنین جالب است بدانید که به هر شخصیت تثلیث در اینجا اشاره شده است چنانچه در ۱۳:۲–۱۴ بود.

ب) برای طرز رفتار با سرکشان (۳:٦-۱۵)

٦:۳ . به نظر واضح می‌آید که بعضی از مقدسین در تسالونیکیه از کار کردن دست کشیده بودند چون مشتاقانه منتظر بازگشت خداوند بودند. پولس چنین عملی را به عنوان یک الگوی روحانی تشویق نمی‌کند، بلکه فرامین مشخصی برای طرز رفتار با چنین برادرانی اعلان می‌کند. فرامین او در شکل دستوری مبنی بر اجتناب کردن از هر برادری است که بی‌نظم رفتار می‌کند، که این یعنی آنانی که با دیگران همگام نبودند و از کار کردن امتناع می‌ورزند و دیگران را تیغ می‌زدند (آیات ۱۰و۱۱ را نگاه کنید). ایمانداران می‌بایست بوسیله عدم معاشرت با چنین اشخاصی عدم موافقتشان را با عمل آنها نشان می‌دادند. این خطا آنقدر عظیم و جدی نبود که نیاز به اخراج از کلیسا باشد.

قانونی که تسالونیکیان از پولس رسول یافته بودند این بود: کار سخت، سخت‌کوشی و ایستادن روی پای خود.

۷:۳ . او شغل خود را ترک نکرد بدین خاطر که می‌دانست خداوند عیسی دوباره خواهد آمد. بجای این کار او هر لحظه انتظار داشت که عیسی بیاید ولی به همین منوال طوری خدمت و کار می‌کرد که گویی می‌دانست خداوند تا پایان عمر وی بازگشت نخواهد نمود.

۸:۳ . هیچکس نمی‌توانست او را محکوم کنید که خود را در خانه کسی دعوت نموده و از غذای کس دیگر یا درآمد شخصی دیگر خورده باشد. او در حینی که انجیل را موعظه می‌نمود برای گذران زندگی خود نیز کار می‌کرد. این یعنی روزهای بسیار و شبهای خسته کننده ولی پولس تصمیم گرفته بود تا بر احدی از ایشان بار ننهد.

۹:۳ . پولس رسول به عنوان واعظ انجیل حق داشت بوسیله کسانی که از طریق خدمت او تغییر گرایش داده بودند حمایت مالی شود (اول قرنتیان۹:٦ـ١٤؛ اول تیموتائوس۵:۱۸). ولی او ترجیح داده بود که حق خود ار کنار گذاشته و بتواند نمونه‌ای از یک خادم مستقل و با پشتکار باشد.

۱۰:۳ . به تسالونیکیان دستور داده شده بود تا با انسانهای طفره رو معاشرت نکنند. اگر یک مسیحی که از لحاظ جسمی سالم است و قادر به مار کردن می‌باشد از کار اجتناب کند، غذا هم نباید بخورد. آیا این امر با حقیقت مسیحیت که ایمانداران در هر حال باید مهربان باشند در تضاد نیست؟ هرگز! تشویق تنبلی هرگز مهربانی نمی‌باشد. اسپرجان می‌گوید: «حقیقی ترین محبت در قبال کسانی که در اشتباه هستند برادری کردن در اشتباهاتشان نیست بلکه وفادار بودن به عیسی در همه چیز».

۱۱:۳ . حالا پولس که از یک بازی با کلمات زیبا استفاده می‌کند تا تناقض روحانیت کاذب برادران بی‌نظم را بیان کند. کلمات او بدین اشکال زیر تعبیر شده‌اند:

۱ـ بعضی در میان شما که کاری نمی‌کنند بلکه فضول هستند.

۲ـ بعضی در میان شما که مشغولیتی ندارند بلکه فضول هستند.

۳ـ بعضی در میان شما که مشغولیتی در کاری ندارند بلکه در فضولی بسیار پر مشغله هستند.

٤ـ به کار همه کس کار دارند جز کار خودشان.

۱۲:۳ . به همه این اشخاص در خداوند ما عیسی مسیح حکم شده است تا به آرامی کار کرده، نان خود را از معشیت خود بخورند. این شهادت نیکویی است و خدا را جلال می‌دهد.

۱۳:۳ . آنانی که وفادارانه و صادقانه کار می‌کنند تشویق به ادامه دادن کارشان شده‌اند. این آخر مسابقه است که به حساب می‌آید و نه شروع آن؛ پس ایشان نمی‌بایست از نیکو کاری خسته خاطر شوند.

۱٤:۳ . ولی راجع به شخصی که از اطاعت فرامین پولس رسول در اسن رساله سرباز زند چطور؟ مسیحیان دیگر باید او را به وسیله عدم معاشرت با وی تنبیه کنند. هدف این تنبیه این است مه او از رفتار خود شرمنده شده و مجبور شود به رفتارش فکر کند.

۱۵:۳ . بهر حال، این تنبیه نباید مثل اخراج از کلیسا شدید باشد. در اینجا خاطی هنوز هم یک برادر است. در اخراج از کلیسا، شخص به عنوان یک خارجی و یا یک باج گیر شناخته می‌شود (متی۱۸:۱۷).

تنبیه یک ایماندار همیشه باید در جهت احیای او و بازگشت وی نزد خداوند و قوم خدا باشد. این تنبیه نباید در روح تلخی یا خصومت انجام گیرد بلکه با روح تواضع و ثبات با شخصی خاطی نباید مثل یک دشمن رفتار شود بلکه مثل یک برادر.

امروزه برای ما عجیب بنظر می‌آید که مسیحیان تسالونیکیه تا این حد شوق بازگشت خداوند را داشته باشند که مشاغل خود را ترک کنند. امروزه چنین خطری به نظر زیاد برای کلیسا نهدیدی نمی‌باشد! در واقع ما الگویی بر عکس را شاهد هستیم. ما چنان با پول درآوردن و کار خود مشغول شده‌ایم که تازگی و هیجان امید بازگشت قریب‌الوقوع او را از دست داده‌ایم.

٦ـ دعای خیر و تحیات (۱٦:۳ـ۱۸)

۱٦:۳ . این آیه تحت عنوان پایانی صلح آمیز برای رساله‌ای طوفانی شناخته شده است. پولس در این آیه دعا می‌کند که مقدسین رنجدیده در تسالونیکیه در هر صورتی سلامتی خداوند را دارا باشند.

یک مسیحی در این دنیا به هیچ چیزی جز آرامی خود نمی‌تواند وابسته باشد. این آرامی بر پایه شخصیت و کار خداوند عیسی است. دنیا نمی‌تواند آن را بدهد یا باز پس گیرد. ولی باید در همه شرایط زندگی این سلامتی را در خود داشته باشیم. سلامتی پایان جفا نیست، بلکه آرامش قلبی است که از ایمان به خدا ناشی می‌شود و در هر شرایطی وجود دارد.

۱۸،۱۷:۳ . در این قسمت پولس رسول ظاهراً قلم را دست نویسنده می‌گیرد و آخرین تحیت را به قلم خوش می‌نگارد. او تحیت خود را که در هر رساله با علامت خاصی نوشته می‌شود بیان می‌کند. بعضی این گفته را چنین درک کرده‌اند که هرگاه دست خط پولس در پایان نامه‌ای باشد لزوماً ثابت می‌شود که آن نامه اصل است. دیگران معتقدند که این نشانه همان دعای خیر مخصوص پولس است. فیض خداوند ما عیسی مسیح با جمیع شما باد (رومیان۱٦:۲٤؛ اول قرنتیان۲۳:۱٦؛ دوم قرنتیان۱٤:۱۳؛ غلاطیان۱۸:٦؛ افسسیان۲٤:٦؛ فیلپیان۲۳:٤؛ کولسیان۱۸:٤؛ اول

تسالونیکیان ۲۸:۵؛ اول تیموتائوس۲۱:٦؛ دوم تیموتائوس۲۲:٤؛ تیطس۲۲:٤؛ فلیمون۲۵ و اگر پولس عیرانیان را نوشته باشد، عبرانیان۲۵:۱۳). از این اشارات، ما شاهد هستیم که همه آنها با عبارات فیض به اتمام می‌رسند.

نکاتی در باب ربوده شدن کلیسا

حقیقت بازگشت خداوند در هر کدام از بابهای رساله اول تسالونیکیان و در دو باب اول رساله دوم تسالونیکیان آمده است. این یک محتوای مشترک است که از طریق یک الگوی خاص دو رساله را به هم مربوط ساخته است.

ولی ما همیشه باید به یاد داشته باشیم که نبوت برای نیروی عقلانی یا برطرف ساختن حس کنجکاوی ما طراحی نشده است. هدف نبوت تأثیر گذاری مثبت در زندگی‌هایمان است. برای ایمانداران، امید بازگشت قریب‌الوقوع مسیح دارای ملزوماتی عملی و علائم زیادی است.

۱. باید بر زندگی‌های ما تأثیر مثبتی داشته باشد (اول تسالونیکیان ۲۳:۵؛ اول یوحنا۳:۳)

۲. باید بار دعا و کار برای نجات گم شدگان را در ما قرار دهد (پیدایش۱٤:۱۹؛ حزقیال٦:۳۳؛ یهودا۲۱ـ۲۳)

۳. باید ما را به استواری در جفاها و سختیها تشویق کند (روم۱۸:۸؛ دوم قرنتیان۱۷:٤؛ اول تسالونیکیان ۱۳:٤ـ۱۸).

٤. باید ما را از جمع کردن ثروت برای خود باز دارد؛ چنانچه به آمدن او نزدیک می‌شویم. ارزش ثروتهایمان کم می‌شود (ر.ک لاویان۸:۲۵ـ۱۰، ۱٤ـ۱٦).

۵. باید ما را مجبور کند از هر کس که نسبت به او خطا ورزیده‌ایم عذر خواهی کرده و اگر لازم باشد خطایمانرا جبران کنیم (متی۲٤:۵؛ یعقوب۱٦:۵)

٦. باید ما را برای خدمت سخت کوشانه تجهیز نماید تا بدانیم که شب نزدیک است و در شب نمی‌توان کاری انجام داد (یوحنا٤:۹؛ اول تسالونیکیان ۹:۱،۱۰الف)

۷. باید ما را از رفتار متوقعانه باز دارد (لوقا۳٦:۱۲) و ما قادر سازد تا به هنگام آمدن او شرمنده نباشیم (اول یوحنا۲۸:۲)

۸. باید ما را برای اقرار به مسیح شجاع بسازد (مرقس۳۸:۸؛ لوقا۲٦:۹).

۹. باید ثابت شود که امید آرامی بخش است (یوحنا۱:۱٤ـ۲۸،۳؛ اول تسالونیکیان ۱۸:٤؛ دوم تسالونیکیان ۷:۱؛ دوم تیموتائوس۱۲:۲)

۱۰. باید برای اعتدال، اصالت و نظم مشوق باشد (فیلپیان٥:٤)

۱۱. باید انگیزه‌ای برای محبت و اتحاد باشد (اول تسالونیکیان ۱۳،۱۳:۳)

۱۲. باید رفتار دنیای دیگر را تشویق کند (کولسیان۱:۳ـ٤)

۱۳. باید برای آمدن و پاداش گرفتن از خداوند نقش یاد آورنده‌ای را ایفا کند (رومیان۱۰:۱٤-۱۲؛ اول قرنتیان۱۱:۳ـ۱۵)

۱٤. باید به عنوان عاملی قدرتمند در جهت جذب شخصی به موعظه انجیل مورد استفاده قرار گیرد (اعمال۳:۱۹ـ۲۱؛ مکاشفه۳:۳)

برای کسانی که ایماندار نیستند، حقیقت بازگشت مسیح باید ایشان را به توبه از گناهانشان ملزم کرده و وا دارد که طرز زندگیشان را به او به عنوان خداوند و نجات دهنده تسلیم کنند. فقط کسانی که در مسیح هستند با او در زمان ربوده شدن خواهند بود. بقیه ایشان برای داوری کنار خواهند رفت. ولی اگر امروز زمان آن باشد چطور؟ بخاطر اهمیت آمدن مسیح در رساله تسالونیکیان و زندگی مسیحی ما این ملاحظات مختصر را اضافه می‌کنیم:

مباحثی برای ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم:

۱ـ اولین بحث بر پایه مشرف به وقوع بودن آن است. نوشته‌های مقدس بسیاری وجود دارند که نشان می‌دهند مسیحیان می‌بایست هر لحظه منتظر آمدن خداوند باشند. ما بایدمنتظر بوده و بنگریم، چون زمان آمدن او را نمی‌دانیم. اگر کلیسا می‌بایست وارد دوره مصیبت عظیم می‌شد، پس ما هر لحظه نمی‌توانستیم منتظر او باشیم. در حقیقت، او نمی‌تواند حداقل قبل از هفت سال بیاید از آنجاییکه ما حالا در دوران مصیبت عظیم نیستیم و زمانیکه این دوران بیاید حداقل هفت سال به طول می‌انجامد. نظریه ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم تنها نظریه‌ای است که شما می‌توانید بپذیرید و معتقد باشید که بر طبق آن مسیح هر لحظه ممکن است بیاید.

در اینجا آیاتی وجود دارند که نشان می‌دهند شما باید پیوسته منتظر آمدن خداوند باشید اگر چه نمی‌دانیم زمان این واقعه کی خواهد بود.

«و نه این فقط، بلکه ما نیز که نوبر روح را یافته‌ایم، در خود آه می‌کشیم در انتظار پسر خواندگی یعنی خلاصی جسم خود» (روم۸:۲۳).

«زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمایید تا هنگامیکه باز آید» (اول قرنتیان۱۱:۲٦)ـ این برای قرنتیان نوشته شده است تا بطور تلویحی نشان دهد که خداوند هر لحظه امکان داشت در حین زندگیشان بازگشت کند.

«زیرا که در این هم آه می‌کشیم، چونکه مشتاق هستیم که خانهٔ خود را که از آسمان است بپوشیم» (دوم قرنتیان۵:۲) ـ ایمانداران در زمان ربوده شدن بوسیله بدنهای جلال یافته پوشیده خواهند شد.

«زیرا که ما بواسطه روح از ایمان مترقب امید عدالت هستیم» (غلا۵:۵) ـ امید عدالت، آمدن خداوند و جلال یافتن بدنهایمان می‌باشد که در آن زمان بوقوع خواهند پیوست.

«اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم، که شکل جسد ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسد مجید او مصور شود، بر حسب عمل قوت خود که همه چیز را مطیع خود بگرداند»(فیل۳:۲۱،۲۰).

«اعتدال شما بر جمیع مردم معروف شود. خداوند نزدیک است» (فیل٤:۵).

«زیرا خود ایشان درباره ما خبر می‌دهند که چه قسم وارد به شما شدیم و به چه نوع شما از بتها به سوی خدا بازگشت کردید تا خدای حی حقیقی را بندگی نمایید، و تا پسر او را از آسمان انتظار بکشید که او را از مردگان برخیزانید، یعنی عیسی که ما را از غضب آینده می‌رهاند» (اول تسالونیکیان ۱:۹،۱۰).

«و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار می‌کشیم» (تیط ۲:۱۳).

« همچنین مسیح نیز چون یکبار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می‌باشند، ظاهر خواهد شد بجهت نجات» (عبر۹:۲۸).

«زیرا که بعد از اندک زمانی، آن آینده خواهد آمد و تأخیر نخواهد نمود» (عبر۱۰:۳۷).

«پس ای برادران، تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید. اینک دهقان انتظار می‌کشد برای محصول گرانبهای زمین و برایش صبر می‌کند تا باران اولین و آخرین را بیابد. شما نیز صبر نمایید و دلهای خود را قوی سازید زیرا که آمدن خداوند نزدیک است. ای برادران، از یکدیگر شکایت می‌کنید، مبادا بر شما حکم شود. اینک داور بر در ایستاده است» (یعقو۵:۷ـ۹).

«لکن انتهای همه چیز نزدیک است. پس خرد اندیش و برای دعا هشیار باشید» (اول پطرس٤:۷).

«هر کس که این امید را بر وی دارد، خود را پاک می‌سازد چنانکه او پاک است» (اول یوحنا۳:۳).

«خویشتن را در محبت خدا محفوظ دارید و منتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح برای حیات جاودانی بوده باشید» (یهو۲۱) ـ در اینجا رحمت خداوند ما عیسی مسیح بازگشت اوست برای بردن قومش به آسمان.

«بزودی می‌آیم، پس آنچه داری حفظ کن مبادا تاج تو را کسی بگیرد» (مکا۳:۱۱).

«و اینک به زودی می‌آیم. خوشابحال کسی که کلام نبوت این کتاب را نگاه دارد» (مکا۲۲:۷).

«و اینک به زودی می‌آیم و اجرت من با من است تا هر کس را بر حسب اعمالش جزا دهم» (مکا۲۲:۱۲).

«او که بر این امور شاهد است، می‌گوید: بلی به زودی می‌آیم! آمین، بیا ای خداوند عیسی!» (مکا۲۲:۲۰).

متون دیگری وجود دارند که اگر چه مستقیماً به ربوده شدن اشاره ندارند ولی اثری اساسی بر ما در مورد آمدن مسیح که قریب‌الوقع است می‌گذارند. کلیسای مقدسین در طول تاریخ این نظریه را قبول داشته است که آمدن مسیح ناشناخته است و بنابراین در هر لحظه‌ای ممکن است بوقوع بپیوندد.

«پس بیدار باشید زیرا که نمی‌دانید در کدام ساعت خداوند شما می‌آید . لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می‌دانست در چه پاس از شب دزد می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زند. لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبردید، پسر انسان می‌آید» (متی٢٤:٤٢ـ٤٤).

«ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچکس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. مثل کسی که عازم سفر شده، خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده، هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و درمان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار

باشید زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید، در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. اما آنچه به شما می‌گویم، به همه می‌گویم، بیدار باشید» (مرقس۱۳:۳۲ـ۳۷).

«و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند» (لو۱۲:۳٦).

«بحدی که در هیچ بخششی ناقص نیستید و منتظر مکاشفه خداوند ما عیسی مسیح می‌باشید» (اول قرنتیان۱:۷).

«تو را در حضور خدا و مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد قسم می‌دهم و به ظهور و ملکوت او» (دوم تیموتائوس٤:۱).

«ای بچه‌ها، این ساعت آخر است و چنانچه شنیده‌اید که درجال می‌آید، الحان هم دجالان بسیاری ظاهر شده‌اند و از این می‌دانیم که ساعت آخر است» (اول یوحنا۲:۸).

«زیرا هرگاه بیدار نباسی، مانند درد بر تو خواهم آمد و از ساعت آمدن من بر تو مطلع نخواهی شد» (مکا۳:۳ب).

«اینک چون دزد می‌آیم! خوشابحال کسی که بیدار شده، رخت خود را نگاه دارد، مبادا عریان راه رود و رسوایی او را ببینند» (مکا۱٦:۱۵).

۲ـ دومین بحث بر پایه این وعده است که کلیسا از غضب آینده خواهد رست. در رومیان ۹:۵، پولس می‌گوید: «بوسیله او از غضب نجات خواهیم یافت». اول تسالونیکیان ۱:۱۰ عیسی مسیح خداوند را به عنوان رهاننده ما از غضب آینده توصیف می‌کند و در اول تسالونیکیان ۹:۵ ما می‌آموزیم که خدا ما را برای غضب برنگزیده است بلکه برای تحصیل نجات بوسیله خداوند عیسی مسیح. کلمه غضب می‌تواند به غضب دوره مصیبت عظیم اشاره داشته باشد یا می‌تواند به داوری نهایی خدا بر بی‌ایمانان اشاره کند. در رسالات تسالونیکیان، متن به غضب دوره مصیبت عظیم توجه دارد (به اول تسالونیکیان ۳،۲:۵؛ دوم تسالونیکیان ۱:٦ـ۱۰؛ ۲:۱۰ـ۱۲ نگاه کنید).

۳ـ در مکاشفه ۱۰:۳، مسیح وعده می‌دهد که قوم خود را از (یونانی:ekبه معنای خارج از) ساعت امتحان که بر تمامی دنیا خواهد آمد حفظ خواهد نمود.

٤ـ ساختار کتاب‌مقدس در خود، تعالیم ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم را دارا می‌باشد. در بابهای ۲و۳، کلیسا بر روی زمین دیده می‌شود ولی پس از باب ۳ به نظر دیگر هرگز بر روی زمین نخواهد بود. در بابهای ٤و۵ مقدسین در آسمان دیده می‌شوند که در حال دریافت تاجهای جلال خود می‌باشند. سپس در بابهای ٦ـ۱۹ ما شاهد دوره مصیبت عظیم بر روی زمین هستیم. مقدسین کلیسا در این زمان در آسمان هستند.

۵ـ دوره مصیبت عظیم تا زمانیکه مرد شریر ظاهر نشود نخواهد آمد (دوم تسالونیکیان ۳:۲). ولی مرد شریر تا زمانیکه عامل مانع برداشته نشود ظاهر نخواهد شد (دوم تسالونیکیان ۸،۷:۲). روح‌القدس مطمئناً همان عامل مانع است؛ او مانع توسعه کار شیطان بر روی زمین در حین حضور کلیسا بر روی زمین می‌باشد. در زمان ربوده شدن، روح‌القدس از سکونت در کلیسا برداشته می‌شود.

به یک معنا، روح‌القدس همیشه در جهان هست و خواهد بود. ولی مفهوم خاصی در فرود آمدن او از زمان پنطیکاست به بعد و حضور دائمی او در کلیسا و ایمانداران می‌باشد. در این مفهوم است که او در زمان ربوده شدن برداشته خواهد شد. این امر بدین معنا نیست که روح خدادیگر دوره مصیبت عظیم خدمت نخواهد نمود. او هنوز هم گناهکاران را ملزم کرده و از راه‌های بدشان بازگشت می‌دهد. ولی او بطور دائم در ایشان ساکن نمی‌شود و روح‌القدس ایشان را به کلیسا نمی‌پیونداند. خدمت او در بعضی جهات شبیه خدمتش در دوره عهد عتیق است.

٦ـ در اول تسالونیکیان ١٨:٤، از ربوده شدن به عنوان دور نمای تسلی سخن به میان آمده است. روز خداوند همانند تسلی دهنده نخواهد آمد بلکه مانند دزدی در شب (اول تسالونیکیان ٢:٥). این زمان درد زه می‌باشد (آیه٣) و غضب (آیه٩). برعکس، ربوده شدن امید تابان است و نه امید ترس.

٧ـ باید یک فاصله زمانی بین آمدن مسیح برای مقدسینش و آمدن او با مقدسینش باشد. زمانیکه مسیح برای مقدسینش آمد، همه ایمانداران جهان به بالا برده شده و بدنهای جلال یافته خود را دریافت خواهند نمود (اول قرنتیان١٥:٥١). وای وقتی که مسیح برای سلطنت بازگردد، ایماندارانی وجود خواهند داشت که هنوز در بدنهای طبیعی خود هستند و بوسیله این حقیقت می‌توان این را دید که آنها بچه‌های در حال رشدی هستند (اش٦٥:٢٠ـ٢٥؛ زکریا ٨:٥). اگر ربوده شدن و ظهور در یک زمان به وقوع میدپیوستند (نظریه پس از مصیبت عظیم)، پس این نجات یافتگان اخیر از کجا پیدایشان شده؟

این دلیل دومی است برای اینکه چرا می‌بایست فاصله زمانی بین ربوده شدن و سلطنت وجود داشته باشد. تخت داوری مسیح در زمان ربوده شدن در آسمان است و خداوند وفاداری مقدسینش را داوری کردهو به ایشان بر طیق آن پاداش خواهد داد (دوم قرنتیان٥:١٠). پاداشها در این زمان اندازه وسعت حکومت هر ایماندار در دوره سلطنت همزمان بوقوع می‌پیوستند، هیچ زمانی برای برقرار شدن تخت داوری مسیح وجود نمی‌داشت.

٨ـ تنها راهی که روز خداوند یک شخص را گرفتار می‌سازد همانند آمدن دزد در شب است (اول تسالونیکیان ٢:٥). در حالیکه پولس مستقیماً می‌گوید که ایمانداران همانند دزد در شب غافلگیر نخواهند شد (اول تسالونیکیان ٤:٥). پس هرگز روز خداوند چون دزد بر ایمانداران نخواهد آمد. چرا نه؟ خدا ایمانداران را برای غضب بر نگزیده است (اول تسالونیکیان ٩:٥).

٩ـ در زمان ربوده شدن، ایمانداران به خانه پدر خواهند رفت (یو١٤:٣)، نه مستقیم به زمین چنانچه نظریه پس از مصیبت عظیم عنوان می‌کند.

١٠ـ مصیبت عظیم واضحاً یک دوره یهودی است. این زمان تنگی یعقوب خوانده شده است (ار٣٠:٧). به اشاراتی که در متی ٢٤: یهودیه (آیه ١٦)، سبت (آیه٢٠)، مکان مقدس (آیه١٥) شده است توجه کنید. این الگوها هیچ ربطی به کلیسا ندارند.

١١ـ نمونه‌های زیادی در عهد عتیق به ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم اشاره دارند. ما آموزه خود را بر پایه نمونه‌ها نمی‌سازیم بلکه این نمونه‌ها با نظریه ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم سازگار هستند.

خنوخ، یک نمونه کلیسا، قبل از اینکه داوری خدا بر زمین فرود آید به آسمان بالا برده شد در حالیکه نوح و خانواده‌اش، نمونه‌هایی از ایمانداران یهودی باقی مانده، در حین طوفان بر زمین باقی ماندند. لوط از سدوم قبل از اینکه داوری بر آن شهر فرود آید رهایی یافت. گذاراندن اسحاق توسط ابراهیم، گذراندن پسر خدا توسط وی در جلجتا را به تصویر کشید. اولین باری که پس از آن واقعه از اسحاق نام برده شده است در زمانی است که او برای ملاقات همسرش رفته و آن دختر را به خانه‌اش می‌برد. به همین منوال ظهور اول مسیح پس از صعودش نیز برای بردن عروسش به آسمان خواهد بود. ایلیا قبل از فرود آمدن داوری خدا توسط ایزابل شرور به آسمان بالا برده شد.

۱۲ـ اولین شصت و هفتمین هفته نبوت دانیال (۹:۲٤ـ۲۷) به اندازه فرمان اردشیر در سال ٤٤٥ قبل از میلاد تا زمان مصلوب شدن مسیح بود. این ربطی به کلیسا ندارد. پس چرا باید کلیسا در هفته هفتادم یافت شود که دوره مصیبت عظیم است؟ (عملاً دوران کلیسا بین هفته شصت و نهم و هفتادم می‌باشد.)

مباحثی بر ضد ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم و در حمایت از نظریه ربوده شدن پس از مصیبت عظیم:

۱ـ وعده مکاشفه ۳:۱۰ این نیست که مقدسین از دوره مصیبت عظیم نجات خواهند یافت بلکه ایشان از آن محفوظ خواهند ماند (با یوحنا۱۷:۱۵ مقایسه کنید).

چواب: کلمه‌ای که از آن ترجمه شده است به طور تحت الفظی به معنای خارج از آن می‌باشد. حرف اضافه (ek) در یونانی به معنای خارج از می‌باشد. پس تعلیم این نیست که کلیسا در دوره مصیبت عظیم حفظ خواهد شد بلکه به طور کل به خارج از جهان برده خواهد شد تا از بلایا محفوظ بماند.

همین کلمات در یوحنا ۱۷:۱۵ مورد استفاده قرار گرفته‌اند یعنی در جاییکه عیسی دعا می‌کند: «خواهش نمی‌کنم که ایشان را از جهان ببری، بلکه تا ایشان را از شریر نگاه داری». پلامر(Plummer) اینگونه تفسیر می‌کند: «درست چنانچه شاگردان مسیح با او راه رفته و محفوظ بودند همچنین در روز ظهور آن مرد شریر نیز حفاظت خواهند شد». این دعا جواب داده شده است؛ ایمانداران از سلطنت شیطان رهایی یافته‌اند و به ملکوت پسر حبیب خدا منتقل گشته‌اند.

۲ـ نسخه یونانی رومیان ۵:۳ می‌گوید: «مصیبت صبر می‌کند».

جواب: پولس نمی‌گوید تنها زمانی که مصیبت صبر می‌کند در حین دوره مصیبت عظیم است. بحث او واضحاً این است مصیبتی که ایمانداران متحمل می‌شوند در این زندگی برایشان صبر پدید می‌آورد. همچنین در یونانی چنانچه در فرانسوی و اسپانیولی است، اسامی مجرد غالباً حرف تعریف هستند از این رو ترجمه مصیبت درست است.

۳ـ به مسیحیان همیشه وعده مصیبت عظیم داده شده است (یوحنا۱٦:۳۳). هیچ دلیلی مبنی بر اینکه چرا کلیسا نباید به آن وارد شود در کلام نیامده است.

جواب: هیچکس این را رد نمی‌کند، «با مصیبتهای بسیار می‌باید داخل ملکوت خدا گردیم.» (اعمال۲۲:۱٤) ولی تفاوت بزرگی میان مصیبتی که هر ایماندار در طول زندگی خود می‌بیند و دوره مصیبت عظیم که جهان مسیح را رد می‌کند وجود دارد.

٤ـ دوم تسالونیکیان ۷:۱ نشان می‌دهد که مقدسین تا زمانیکه خداوند عیسی مسیح به زمین در زمان پایان مصیبت عظیم باز نگردد، آرامی نخواهند یافت.

جواب: تسالونیکیانی که این نامه بدیشان نوشته شده است در حال حاضر در آسمان آرامی یافته‌اند. ولی لغتی که به جفاکنندگان ایشان خواهد رسید زمانیکه در جهان مجسم خواهد شد که خداوند عیسی مسیح با قوت و جلال عظیم به زمین بازگردد.

۵ـ بر طبق اعمال ۲۱:۳، آسمانها می‌بایست خداوند عیسی را تا زمان معاد همه چیز بپذیرد که این یعنی زمان سلطنت هزار ساله.

جواب: این کلمات خطاب به قوم اسراییل بوده است (آیه٤). تا آنجاییکه به قوم اسراییل مربوط می‌شود، این جمله حقیقت دارد. این آیه کلمات نجات دهنده بر سر راه اورشلیم در متی ۳۹:۲۳ را تأیید می‌کنند: «زیرا به شما می‌گویم ار این پس مرا نخواهید دید تا بگویید مبارک است او که به نام خداوند می‌آید». این امر در پایان دوره مصیبت عظیم بوقوع خواهد پیوست. ولی کلیسا ربوده شده و برای هفت سال به آسمان بالا برده خواهد شد.

٦ـ مزمور ۱:۱۱۰ می‌گوید که مسیح زمانی به دسا راست خدا خواهد نشست که دشمنانش پای انداز او شوند. این در زمان پایان دوره مصیبت عظیم خواهد بود.

جواب: در مکاشفه ۹،۸:۲۰، ما راجع به بعضی از دشمنان مسیح در پایان زمان سلطنت هزار ساله می‌خوانیم ـ این یعنی هزار سال پس از مصیبت عظیم. دست راست خدا می‌تواند توصیفی برای جایگاه قدرت و احترام و قوت باشد و نه یک موقعیت جغرافایی.

۷ـ در تیطس ۱۳:۲، امید مبارک همان ظهور پر جلال است. بنابراین ربوده شدن همزمان با ظهور بوقوع خواهد پیوست. پس، ما منتظر ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم نیستیم بلکه آمدن مسیح بجهت سلطنت انتظار می‌کشیم.

جواب: بحث بر پایه گرامر زبان یونانی شکل گرفته است: وقتی که دو اسم بوسیله کلمه "و" با هم مربوط می‌شوند (در یونانی kai) در واقع هر دو مورد مشابه هستند و حرف تعریف معلوم با اسم اول می‌آید و نه اسم دوم، اسم دوم به همان شخص یا چیز اشاره دارد که اسم اول دارد و در واقع توصیف اضافی بر آن است و این قانون را در اصطلاح علم نحو می‌گویند. برای مثال، تیطس ۱۳:۲ می‌گوید: «و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار می‌کشم». کلمات "خدا" و "نجات دهنده" به وسیله "و" به هم مربوط شده‌اند؛ هر دوی اینها یک مورد را به ما نشان می‌دهند؛ حرف تعریف معلوم با "خدای" می‌آید و نه "نجات دهنده". بنابراین بر طبق قانون نحو، کلمه "نجات دهنده" به همان شخص "خدا" اشاره دارد و توصیفی اضافی بر آن است. این البته ثابت می‌کند که نجات دهنده ما عیسی مسیح، خداست.

حالا در همین آیه چنانچه یونانی می‌گوید: «و آن امید مبارک و تجلی جلال عظیم... را انتظار می‌کشیم». بر طبق قانون نحو در زبان یونانی، امید مبارک همان تجلی عظیم می‌باشد و از آنجاییکه تجلی جلال عظیم اساساً با آمدن مسیح بای سلطنت یکی درک شده است، امید ایمانداران ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم نیست بلکه آمدن مسیح در جلال به زمین.

دو جواب برای این بحث وجود دارد. اولاً، همانند همه قوانین، قانون نحو نیز استثنائاتی دارد. یکی را می‌توان در لوقا ۲۳:۱٤ یافت در جاییکه در نسخه یونانی چنین ولی اگر این آیات نیز به آمدن مسیح برای سلطنت اشاره داشته باشند، باید واضح باشد که امید ایماندار شامل همه برکات نبوتی آینده می‌شود. ما به ربوده شدن نظر داریم و منتظر آمدن مسیح برای سلطنت هزار ساله و خانه ابدی هستیم.

۹ـ امیدِ سنتی کلیسا ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم نبوده است. این فقط در ۱٦۰ سالاخیر یا از طریق تعالیم داربی وارد صحنه روزگار شده است.

جواب: کلیسای عهد جدید منتظر آمدن پسر خدا از آسمان بوده است. مقدسین نمی‌دانستند که او در چه زمانی خواهد آمد بنابراین همیشه منتظر بودند.

مباحثی که بر پایه اینکه آیا شخصی چیزی را تعلیم داده یا نداده است استوار هستند اصطلاحاً، حملخ یا عتراض به اشخاص نامیده می‌شوند و به عقب مربوطه زیاد ارتباطی ندارند. مسئله این است که کتاب مقدس چه تعلیمی می‌دهد؟ نه اینکه فلانی چه تعلیمی داده است؟

۱۰ـ آخرین صور اول قرنتیان ۵۲:۱۵ و صور خدا در اول تسالونیکیان ۱٦:٤ مربوط به ربوده شدن هستند و مشابه همان هفتمین صور در مکاشفه ۱۵:۱۱ هستند. از آنجاییکه هفتمین صور، صدای پایان مصیبت است در زمانیکه پادشاهیهای این جهان به پادشاهی خداوند و مسیح او تبدیل می‌شوند، بازگشت او می‌بایست پس از دوره مصیبت عظیم باشد.

جواب: این صورها همگی مشابه نیستند. آخرین صور همان صور خداست. این صور اعلام کننده ربوده شدن است و قیام ایمانداران و صعودشان به نزد خانه پدر را خبر می‌دهد. این آخرین صور کلیساست. صور هفتم در مکاشفه ۱۵:۱۱ آخرین سری از داوریها دوره مصیبت عظیم است. این آخرین صور برای بی‌ایمانان اسرائیلی و غیر اسرائیلی است. آخرین صور اول قرنتیان ۵۲:۱۵ همچنین صور خدا نیز نامیده شده است (اول تسالونیکیان ۱٦:٤)، و قبل از دوره مصیبت عظیم نواخته خواهد شد. صور هفتم در پایان دوره مصیبت عظیم نواخته خواهد شد.

۱۱ـ اولین قیامت مکاشفه ۵،٤:۲۰ در پایان دروه مصیبت عظیم بوقوع خواهد پیوست و نه هفت سال زودتر چنانچه پیروان نظریه ربوده شدن قبا از مصیبت عظیم می‌گویند.

جواب: قیامت اول یک واقعه منفرد نیست بلکه یک واقعه تدریجی. این قیامن با قیامن مسیح شروع شده است (اول قرنتیان۱۵:۲۳). مرحله بعدی قیامت ایمانداران در هنگام ربوده شدن می‌باشد. مرحله سوم قیامت مقدسین دوره مصیبت عظیم خواهد بود که در زمان بازگشت مسیح به زمین به وقوع خواهد پیوست (مکا۵،٤:۲۰). به بیانی دیگر، قیامت اول شامل قیام مسیح و همه ایمانداران حقیقی است و مهم نیست که چه زمانی بر خاسته باشند. همه

ایماندران در پایان دروه سلطنت هزار ساله بر خواهند خواست تا در مقابل تخت بزرگ سفید بایستند (مکا۲۰:۱۱ـ۱۵).

۱۲ـ در متن ۲٤:۱۳ـ۳۰، گندم و کرکاسها تا پایان این دوره خواند رویید و این همان پایان دوره مصیبت عظیم است.

جواب: درست است، ولی این مثل از ملکوت آسمان سخن می‌گوید و نه کلیسا. در ملکوت و در زمان مصیبت عظیم، مردم راست و ناراستس وجود خواهند داشت.

۱۳ـ ربوده شدن مرموز نخواهد بود بلکه با صدای فریادی با صور خدا از آسمان همراه خواهد بود (اول تسالونیکیان ۱٦:٤).

جواب: تعلیم اینکه ربوده شدن مرموز خواهد بود بر پایه این حقیقت استوار است که در یک چشم بر هم زدن به وقوع خواهد پیوست (اول قرنتیان۱۵:۵۲). این یک چشم بر هم زدن مدتی نیست که جهان شانس این را داشته باشد که همه وقایع را که قرار است اتفاق بیفتد شاهد باشد.

۱٤ـ جورج مولر، ساموئل ترگر، اسوالد اسمیت و دیگران نوشته‌اند که مردم نظریه ربوده شدن پس از مصیبت عظیم را قبول داشته‌اند.

جواب: این بحث چیزی را ثابت نمی‌کند. انسانها بزرگی در دفاع از هر دو نظریه وجود دارند.

۱۵ـ اکثراً اشارات عهد جدید به آمدن مسیح به آمدن او برای سلطنت مربوط می‌شوند.

جواب: این حقیقت ربوده شدن را رد نمی‌کند. فقط بدین خاطر که اکثر اشارات در عهد جدید به آسمان است به این معنا نیست که جهنمی وجود ندارد.

۱٦ـ کلیسا متحمل غضب خدا در دوره مصیبت عظیم نخواهد شد ولی غضب ضد مسیح که همان شیطان است را متحمل خواهد شد.

جواب: شش بار در کتاب مکاشفه، غضب دوره مصیبت عظیم خدا یکی انگاشته شده است:

«و فرشته سوم از عقب این دو آمده، به آواز بلند می‌گوید: اگر کسی وحش و صورت او را پرستش کند و نشان او را بر پیشانی یا دست خود پذیرد، او نیز از خمرِ غضب خدا که در پیاله خشم وی بیقش آمیخته شده است، خواهد نوشید و در نزد فرشتگان مقدس و در حضور بره به آتش و کبریت، معذب خواهد شد» (مکا ۱۹:۱٤).

«و یکی از آن چها رحیوان، به آن هفت فرشته، هفت پیاله زرین داد، پر از غضب خدا که تا ابدالاباد زنده است» (مکا۱۵:۷).

«و آوازی بلند شنیدم که از میان قدس به آن هفت فرشته می‌گوید که بروید، هفت پیاله غضب خدا را بر زمین بریزید» (مکا۱٦:۱).

«و شهر بزرگ به سه قسم منقسم گشت و بُلدان امت‌ها خراب شد و بابل بزرگ در حضور خدا به یاد آمد تا پیاله خَمر غضب آلود خشم خود را بدو دهد» (مکا ۱۹:۱٦).

۱۷ـ وقتی که عیسی می‌گوید: «اینک به زودی می‌آیم» (مکا۲۲:۷،۱۲،۲۰) به این معنا نیست هر لحظه‌ای ممکن است بیاید بلکه یعنی آمدن او آنی خواهد بود.

جواب: این نکته شک برانگیز است. حتی اگر به معنای آنی باشد هنوز هم آیاتی وجود دارند که این نظریه را رد می‌کنند مثل عبرانیان ۳۷:۱۰ :«زیرا که بعد از اندک زمانی، آن آینده خواهد آمد و تأخیر نخواهد نمود.»

۱۸ـ عامل مانع در دوم تسالونیکیان ۲:٦ـ۸ روح القدس نیست بلکه دولت روم یا قدرت خدا.

جواب: این مورد در مطالب و مباحث مربوط به متن توضیح داده شده است.

۱۹ـ آمدن مسیح در روزگار رسولان نمی‌توانست قریب‌الوقوع باشد چونکه پطرس و پولس می‌دانستند که خواهند مُرد (یوحنا۲۱:۱۸،۱۹؛ دوم پطرس۱:۱٤،۱۵؛ دوم تیموتائوس٤:٦).

جواب: پولس گاهی از خود به عنوان شخصی که در حین آمدن خداوند زنده خواهد بود سخن می‌گوید (اول تسالونیکیان ۱۵:٤) و گاهی نیز خود را از زمره ایماندارانی بر می‌شمرد که مرده و قیام خواهند کرد (فیل۳:۱۰،۱۱). این رفتار مناسبی است که هر یک از ما باید داشته باشیم. ما منتظر آمدن خداوند در طول زندگی خود هستیم ولی می‌دانیم که قبل از ربوده شدن شاید بمیریم. پطرس ایمان داشت که انتهای همه چیز نزدیک است (اول پطرس٤:۷) و آنانیکه امدن خداوند را با گفتن «کجاست وعده آمدن او؟ زیرا از زمانی که پدران به خواب رفته‌اند، هر چیز به همینطوری که از ابتدای آفرینش بوده باقی است» (دوم پطرس۳:٤) استغمرا می‌نمودند محکوم می‌کرد.

۲۰ـ آمدن خداوند نمی‌تواند در هر لحظه‌ای به وقوع بپیوندد بلکه انجیل ابتدا می‌بایست قبل از آمدن او به تمامی عالم موعظه شود (متی۲٤:۱٤).

جواب: این به انجیل ملکوت اشاره دارد (آیه۱٤) که در زمان مصیبت عظیم به جهان اعلام خواهد شد. پیغام این انجیل این طور است: «به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاور و نجات خواهی یافت و وقتی که مسیح بیاید با او وارد سلطنت هزار ساله خواهی شد». ایم همان نجاتی است که ما موعظه می‌کنیم ولی انتظار ما برای ربوده شدن است به بیانی دیگر، ما می‌گوییم: «به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاور و نجات خواهی یافت و وقتی که عیسی بیاید، به خانه پدر خواهید رفت».

۲۱ـ متونی مثل متی ۲۸:۱۹،۲۰ و اعمال ۱:۸ از انجیلی که به همه قومها و تا اقصای چهان موعظه می‌شود سخن می‌گوید. در رومیان ۱۰:۱۸، در مورد انجیل گفته شده است که به اقصای جهان خواهد رفت. البته، ما این متون را چنین درک می‌کنیم که به جهان آن زمان اشاره دارند یعنی کشورهایی که مجاور دریای مدیترانه قرار داشتند.

۲۲ـ نقشه سفر بشارتی طولانی پولس که در اعمال رسولان ۱۸:۲۱؛ ۲۳:۱۱؛ و در رومیان ۱۵:۲۲ـ۲۵،۳۰،۲۱ آمده است نشان می‌دهد که او منتظر آمدن خداوند در آینده بطور ناگهانی نبود.

جواب: نقشه پولس بر طبق اراده خدا طرح ریزی شده بود (اعمال۱۸:۲۱؛ روم۱:۱۰؛ اول قرنتیان٤:۱۹). او چنان کار می‌کرد که گویی خداوند در زمان زندگی او نخواهد آمد ولی منتظر بازگشت او در هر لحظه‌ای بود.

۲۳ـ پولس از زمانهای مخاطره آمیز در روزهای اخر سخن گفته است (اول تیموتائوس٤:۱ـ۳؛ دوم تیموتائوس۳:۱ـ۵). این پیش فرضی راجع به یک لغزش در زمانی که خداوند هنوز نیامده به ما ارائه می‌دهد.

جواب: پولس همچنین از سر بی‌دینی که در حال حاظر کار می‌کند سخن گفته است (دوم تسالونیکیان ۷:۲). یوحنا آنرا ساعت آخر در روزگار خویش خوانده است (اول یوحنا۱۸:۲). این مردمان مشکلی با امید بازگشت ناگهانی مسیح نمی‌دیدند و آن را کاملاً ممکن می‌دانستند.

۲٤ـ مثلهایی مثل متی ۱٤:۲۵ـ۳۰ و لوقا۱۹:۱ـ۲۷ پیش فرضی راجع به یک دوره طولانی لغزش (ارتداد) قبل از بازگشت خداوند ارائه می‌دهند. بنابراین ایمانداران اولیه نمی‌توانند منتظر آمدن خداوند در هر لحظه باشند.

جواب: ظاهراً ایمانداران اولیه بر پایه آموزه‌های مثلها منتظر آمدن خداوند نبودند بلکه انها منتظر ربوده شدن بودند (اول تسالونیکیان ۱۰:۱). ولی جدای از آن، زمان دراز در متی ۱۹:۲۵ بسیار نامعینی است. مثل لوقا تعلیم می‌دهد که ملکوت بطور ناگهانی ظهور نخواهد نمود (لوقا ۱۱:۱۹) ولی این مثل شامل احتمالِ ربوده شدن کلیسا در هر لحظه بطور تلویحی می‌باشد.

پایان